

## بررسی جامعه‌شناختی نقش سبک زندگی در کیفیت زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای شهرستان بندر ماهشهر

مسعود گنجی<sup>۱</sup>، دکتر رضا علی محسنی<sup>۲</sup>، دکتر منصور شریفی<sup>۳</sup>، دکتر علیرضا کلدی<sup>۴</sup>، دکتر حسن ملک<sup>۵</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۶/۶

چکیده:

یکی از دغدغه‌های امروز، سبک زندگی کیفیت بخش است. مقاله حاضر به بررسی جامعه‌شناختی نقش سبک زندگی در کیفیت زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای شهرستان بندر ماهشهر می‌پردازد. مقاله با رویکردهای اسکاندیناوی، آمریکایی و رویکرد کیفیت اجتماعی به کیفیت زندگی و نگاه ترکیبی نظریات بورديو از میدان در نظریه تمایز و تعریف‌گیدنز از سبک زندگی و ساخت اجتماعی به سبک زندگی، با روش پیمایش انجام شده است. ۳۹۶ شهروند ۶۵ سال به بالا از طریق فرمول کوکران به‌عنوان نمونه آماری تعیین، به وسیله نمونه‌گیری مطابق و ابزار پرسشنامه محقق ساخته داده‌های آماری آن جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد کیفیت زندگی عینی، ذهنی و جمعی شهروندان به ترتیب در سطح ۶۱/۶۹، ۵۲/۳ و ۴۱/۲ درصد از حداکثر درصد میانگین بالقوه این ابعاد کیفیت زندگی بوده است. همچنین سبک زندگی شهروندان بیشتر مصرفی است تا تولیدی و از سوی دیگر اجتماعی است تا اقتصادی و فرهنگی. بر اساس نتایج، به ترتیب سبک زندگی اقتصادی با ۴۸۵٪ تأثیر کل، سبک زندگی اجتماعی با ۳۷۵٪ تأثیر کل، سبک زندگی فرهنگی با ۲۸۰٪ تأثیر کل از یک‌سو و در دسته‌بندی دیگر سبک زندگی تولیدی با ۵۵۸٪ تأثیر کل و سبک زندگی مصرفی با ۴۵۰٪ تأثیر کل، بیشترین اثرگذاری را با کیفیت زندگی داشته است. در صورتی که کیفیت زندگی به‌عنوان یک کل هدف‌گذاری شده باشد؛ به ترتیب نیاز به ترکیبی از کنش‌ها و سبک‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که الف) سرمایه‌های سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ب) برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از سرمایه‌های سه‌گانه که می‌توان بر آن سرمایه ذهنی نام نهاد؛ و در مجموع به ترتیب سرمایه‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ذهنی را تشکیل می‌دهند. این کیفیت زندگی را به‌عنوان کیفیت زندگی کنش محور یا تعاملی می‌توان نام نهاد.

**مفاهیم کلیدی:** سبک زندگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه ذهنی، سرمایه فرهنگی، کیفیت زندگی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران ganjisocialist@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران mohseni.net14@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سمنان، ایران (نویسنده مسئول) sharifim@ut.ac.ir

<sup>۴</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران a-kaldi@srbiau.ac.ir

<sup>۵</sup> استادیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران malek.hassan@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسأله

توسعه یک از اصلی‌ترین حوزه‌های مطالعه جامعه است که مفاهیم بسیاری را در دل خود دارد. فرآیندی که ماهیت آن تغییر رو به جلو در سبک‌ها و مهم‌تر از آن کیفیت‌های مختلف جامعه است. حسب تعاریف سبک زندگی، روش‌ها و گونه‌هایی است که انسان‌ها و افراد یک جامعه برای زندگی و تعامل فردی و اجتماعی خود برمی‌گزینند (Ganji & et. al, 2015: 131). در حالی که یکی از دغدغه‌های اصلی بشر در طول دوران فرمانروایی بر جهان پهناور، کیفیت زندگی خود بوده است؛ و گاهی در تضاد و گاهی با یکپارچگی با هموعان سعی در جلوگیری از تنزل، تثبیت و در نهایت ترقی و بدست آوری بهترین‌ها را در زندگی خود داشته است. از هنگامی که بشر در این کره خاکی زندگی می‌کرده است هر روز آن به دنبال راه‌هایی بهتر برای زندگی کردن و آرامش بوده است. این خواسته رفته رفته با تعدد جمعیت و علاقه به استفاده از امکانات و وسایل بیشتر و بهتر برای خویش در حالی که محدودیت آنها وجود داشت تضادها و نابرابری‌هایی را در میان بشر به وجود آورد. تفاوت نیازها عامل خوبی بود تا مردم را به هم همبسته کند تا بتوانند نیازهای متفاوت خود را با کمک یکدیگر برآورده کنند. در پی آن، این اندیشه به وجود آمد که هرچه تولید بیشتر شود و درآمد بالا رود کیفیت زندگی بهتر خواهد شد؛ اما در عمل این اتفاق نیفتاده است تا جایی که در برخی از کشورها با وجود درآمد ملی بالا، کیفیت زندگی همچنان در سطح مطلوبی نیست (Naraghi, 2000: 38). رهبر اولیه جنبش شاخص‌های اجتماعی (Grass, 1996) می‌گوید: آمار اقتصادی به‌عنوان یک کل بر ارزش پولی کالاها و خدمات تأکید دارد. با انجام این کار تمایل به تبعیض علیه مقادیر غیر پولی و خدمات عمومی بیشتر می‌شود. از آنجا که ارقام سلامت و امید به زندگی در حساب‌های ملی نادیده گرفته می‌شوند، پیشرفت در این حوزه‌ها چه در اهداف تنظیم شده و چه در ارزیابی عملکرد به‌طور جدی نادیده گرفته می‌شوند. این تغییر با بحث در سیاست‌های ایالات متحده برای «جامعه بزرگ» هم‌زمان شد و تمایل فزاینده‌ای در دولت‌ها برای تولید گزارش‌های اجتماعی منظم در سطوح مختلف ملی، ایالتی و شهری ایجاد کرد. به‌طور کلی، شاخص‌های اجتماعی ممکن است با رفاه کل جامعه یا حتی با رفاه افرادی که در جوامع مختلف زندگی می‌کنند همبستگی داشته باشند. همچنین این شاخص‌ها ممکن است با رفاه گروه خاص درون جامعه همبستگی داشته باشند. پس ترکیب شاخص‌های اقتصادی با شاخص‌های اجتماعی می‌تواند یک تصویر جامع از رفاه افراد و جامعه ارائه دهد.

پژوهش‌های شاخص‌های اجتماعی در دهه ۱۹۷۰ شروع شد، اما توافقات اندکی در مورد اهداف و روش‌های پژوهش آن وجود دارد. این پژوهش‌ها خیلی زود در زمینه‌های مختلف با رویکردهای نظری، روش‌شناسی و اهداف مختلف گسترش یافت. معیار شناخته شده‌ای برای تعریف مسئله، انتخاب موضوع و جمع‌آوری داده‌ها وجود ندارد. به همین دلیل جنبش شاخص‌های اجتماعی متعاقباً در نواحی دیگر رایج شد. یکی از عرصه‌های جدید در این زمینه مفهوم کیفیت زندگی است. در پدیدار شدن این عرصه دو عامل، نقش کلیدی داشتند: اول نگرانی مسائل ذهنی از پژوهش شاخص‌های اجتماعی و دیگری روش‌شناسی آن شکل‌گیری، رشد و گسترش مفهوم کیفیت زندگی در طی نیم قرن اخیر، آن را به مفهومی کلیدی و مهم در عرصه مباحث جهانی و مسائل انسانی تبدیل کرده است. به طوری که امروزه در کنار مفاهیم توسعه پایدار، مفهوم کیفیت زندگی مطرح شده است؛ کیفیت زندگی‌ای که بشر همیشه دغدغه آن را داشته است و اگر تغییر و تحول و حرکتی در هر زمینه‌ای اعم از اقتصاد، سیاست، تکنولوژی و غیره صورت می‌داد به منظور تغییر مثبت در زندگی بوده است و بدون در نظر گرفتن وضعیت فقر، بیکاری، نابرابری و نگرانی‌های گسترده‌تر رفاه اجتماعی و نماگرهای اجتماعی نمی‌توان به آن نگاه کرد ( Clarke, 2003 & Leftwich, 2006: 80-81 & Meier and Stiglitz, 2003: 27; Zahedi Asl, 1994:100).

یکی از اشتراکات سبک زندگی و کیفیت زندگی را می‌توان در شکستن انحصار رویکردهای اقتصادی به جامعه و مشاهده این مفاهیم از رویکردهای متفاوت‌تری دید؛ جایی که هر دو مفهوم در زمان شکل‌گیری تا حدود زیادی واکنشی به رویکردهای اقتصاد محور مسلط در نظریات و تحلیل‌های جامعه‌شناختی بودند که البته به یکباره شکل نگرفته است. همچنین سبک زندگی آن‌طور که گیدنز نیز اشاره دارد مجموعه عملکردهایی برای تأمین نیازهای جاری ( Afsharkohan and Rezaei & et. al, 2015:22-23 & Kermajani, 2017, 162- 163 & Khajeh Nouri & et. al, 2014: 83)؛ شامل انتخاب بسیاری از انتخاب‌های پیش رو است (Bayangani, 2013: 199)؛ چیزی که با این رویکرد آمارتیا سن تحت عنوان قابلیت رسیدن به عملکردهای قابل دسترس برای ارزیابی کیفیت زندگی (Morris, 2010:7) همخوانی دارد و هر دو به جنبه‌های کیفی و با هدف غایی زندگی افراد جامعه شکل گرفته‌اند.

گروه سنی سالمندان یکی از گروه‌های جمعیتی مهم و لازم‌التوجه در جوامع است؛ گروه سنی که سهم آن در ترکیب جمعیتی جهان به واسطه پیشرفت‌های بهداشتی و بالا رفتن امید به زندگی در حال افزایش است. به خوبی مشخص شده است که پیری جمعیت یک پدیده

جهانی است. در آمریکا، در سال ۲۰۱۰، تعداد افراد در گروه ۸۵-۷۵ حدود ۱۷ میلیون نفر بود و پیش‌بینی می‌شود با ۲.۵ میلیون نفر این صدمین سالگرد تا سال ۲۰۵۰ به بیش از ۳۰ میلیون نفر برسد. چهره چین با پیش‌بینی ۳۶۰ میلیون نفر جمعیت بیش از ۶۰ سال تا سال ۲۰۳۰ حتی حیرت‌انگیزتر است (Bosman, 2012: 157). جمعیت این گروه سنی در ایران<sup>۱</sup> از سرشماری ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ حدود ۱ میلیون نفر افزایش یعنی ۱۷.۳ درصد رشد داشته است و نکته قابل توجه اینکه در مقایسه با گروه‌های عمده سنی (۱۴-، ۲۹-۱۵، ۶۴-۳۰، ۶۵ سال به بالا) این گروه رشد قابل توجه در مقایسه با دو گروه عمده سنی اول بین دو سرشماری اخیر داشته است و مهم‌تر از آنکه گروه عمده سنی سوم یعنی گروه سنی ۶۴-۳۰ سال ۳۰.۶ درصد رشد داشته که طی چند دهه آینده به جمعیت گروه سنی هدف این تحقیق یعنی ۶۵ سال به بالا با در نظر داشتن جدول زندگی اضافه خواهند شد.

امروز، سیاست‌گذاران و ارائه‌دهندگان به‌طور فزاینده‌ای می‌دانند که مسکن و خدمات مراقبت از افراد مسن به انعطاف‌پذیری، نوآوری و فراگیری بیشتری نیازمند است. تحولات طراحی شده برای توانمندسازی، ارائه انتخاب و ترویج استقلال افراد مسن تر کاوش و تشویق شده است (Bernard & et. al, 2004: 1). تحقیقات نشان داده است که افراد مسن تمایل دارند چهار چیز را با بهزیستی ارتباط نزدیک دهند: سلامتی و عملکرد آنها، وجود روابط و پشتیبانی اجتماعی؛ شرایط مادی آنها و فرصت‌های آنها برای رشد و پیشرفت شخصی. به نظر می‌رسد که این عوامل در اجتماعات بازنشستگی محوری است. اخیراً نیز چنین استدلال می‌شود که در حالی که سه عامل اول از این عوامل بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد، چهارمین، موردی است که خود نشان‌دهنده کیفیت زندگی است (Ibid: 24-25).

لذا آنچه مهم است این است که چگونه سبک زندگی شهروندان به کیفیت زندگی آنها در جامعه ارتباط دارد؟ تحقیق حاضر بر این خواهد بود که با مطالعه دقیق جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی هم در سبک و هم کیفیت، به بررسی نقش سبک زندگی در کیفیت زندگی و ابعاد عینی، جمعی و ذهنی آن بپردازد. اینکه چگونه سبک زندگی می‌تواند بر کیفیت زندگی اثرگذار باشد و این اثرگذاری در چه ابعادی قوی‌تر شکل می‌گیرد؟ و از آنجایی که گروه سنی سالمندان از گروه‌های سنی تأثیرگذار و با اهمیت در ساختار جمعیتی جامعه است و با توجه به تحولات جمعیتی کشور که طی آن جمعیت این گروه سنی رو به افزایش است؛ بنابراین این بررسی از چند منظر مورد توجه خواهد بود.

<sup>۱</sup> برای مشاهده جمعیت تفکیکی گروه‌های سنی به سایت مرکز آمار ایران رجوع شود.

## پیشینه پژوهش

## الف) تحقیقات داخلی

جانبانی و همکاران (۱۳۹۳)، در یک پژوهش تحت عنوان رابطه امنیت اجتماعی و سبک زندگی با کیفیت زندگی و شادکامی زنان شهر کرمانشاه با نمونه ۳۸۴ نفر از زنان آن شهر به این نتیجه رسیدند که هر گونه اقداماتی که در راستای بهبود امنیت اجتماعی و سبک زندگی صورت گیرد؛ ارتقاء بیشتر کیفیت زندگی و شادکامی را در پی خواهد داشت (Janbani & *et. al*, 2014: 247).

- نصرالهی قلعه عبدشاهی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی با سبک زندگی سلامت محور؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز با نمونه ۳۷۷ نفری به این نتیجه رسیده است که بین موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی با سبک زندگی یک رابطه معنادار وجود دارد و می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دانشجویانی که از موقعیت ساختاری و طبقاتی بالاتری برخوردارند؛ با انتخاب سبک زندگی متمایز، خود را از دیگر گروه‌ها و طبقات جدا می‌سازند (Nasrollahi & *et. al*, 2016: 171-172).

رفت‌جاه (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر موقعیت شغلی بر سبک زندگی زنان شاغل؛ مطالعه‌ای در زنان شاغل در وزارت بازرگانی" و روش تحقیق پیمایشی و پرسشنامه به این نتیجه رسیده است که در مجموع هر چه موقعیت شغلی و سرمایه اقتصادی زنان مورد مطالعه، ارتقا پیدا می‌کند، روابط اجتماعی آنان کاهش می‌یابد. در نهایت این مطالعه نشان می‌دهد، در زنانی که دارای موقعیت شغلی بالاتر بوده‌اند، نسبت به زنان رده‌های شغلی پایین، سبک زندگی از مصرف‌گرایی به‌ویژه مصرف تظاهری و تجملی فاصله می‌گیرد و توجه به جنبه‌های فایده‌ای و کاربردی کالاها بیشتر می‌شود. همچنین نتایج حاکی از آن است که سبک زندگی و الگوهای مصرف و در نتیجه تمایزهای هویتی زنان را نمی‌توان صرفاً از روی موقعیت شغلی آنان شناخت؛ بلکه باید تأثیر سایر عوامل فرهنگی از جمله جنسیت، تحصیلات و ارزش‌ها و نگرش‌ها را در شکل‌گیری هویت و سبک زندگی زنان مورد مطالعه قرار داد (Rafat Jah, 2008: 137-159).

گنجی و همکاران (۱۳۹۴)، در یک پژوهش تحت عنوان بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سبک زندگی در بین مردان شهر زاهدان، که از میان ۱۹۶ نفر از مردان ۲۹-۲۰ ساله انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه فرهنگی مدرن با سبک زندگی مدرن از یک‌سو و سرمایه فرهنگی سنتی با سبک زندگی سنتی از سوی دیگر، رابطه مستقیم، مثبت و

معنی‌داری وجود دارد. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی دارای رابطه معنی‌دار و مستقیم با سبک زندگی سنتی است اما رابطه آن با سبک زندگی مدرن معنی‌دار نبوده است ( Ganji & *et. al*, 2015: 129-176).

نواح و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان "سبک زندگی و مصرف فرهنگی: با تأکید بر مطالعه آزاد در شهر اهواز" بیان می‌کنند که هدف اساسی آنان بررسی تأثیر انواع سرمایه بر سبک زندگی و همچنین تأثیر سبک زندگی بر مطالعه آزاد در بین شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اهواز است. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که سبک زندگی بر میزان مطالعه، اثر مثبت و معنادار دارد و همچنین سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی نیز بر سبک زندگی اثر مثبت و معناداری را نشان می‌دهند (Navah & *et. al*, 2016: 7-28).

#### ب) تحقیقات خارجی

Puertas & *et. al* (2020) در پژوهشی تحت عنوان نوآوری، سبک زندگی، سیاست گذاری و عوامل اقتصادی - اجتماعی: تجزیه و تحلیل کیفیت زندگی اروپا، با استفاده از *DEA-Bootstrap* و شاخص جهانی مال م کوئیست<sup>۱</sup>، کارایی هزینه‌های ملی تحقیق و توسعه در بخش بهداشت و تغییرات در بهره‌وری که در دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۹ تعداد ۲۳ کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۲</sup> اروپا طی دو سال را بررسی کرده‌اند نشان داده‌اند که کارایی با توجه به میزان منابع اختصاص یافته به نوآوری در سلامت تعیین نمی‌شود. بودجه‌ای که نوژ در بخش بهداشت و درمان به تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهد تنها یک چهارم بودجه آلمان است؛ اما با کارایی بیشتری این هزینه را به کیفیت زندگی تبدیل می‌کند. علاوه بر این، سطح خوشبختی، ثروت کشور و هزینه‌های سلامتی عواملی هستند که بیشترین تأثیر را بر وضعیت بهداشتی درک شده مردم اروپا دارند (Puertas & *et. al*, 2020).

Ferreira & *et. al* (2018) در مطالعه‌ای تحت عنوان ارزیابی سبک زندگی و کیفیت زندگی در افراد مسن: مروری بر ادبیات با بررسی ادبیات در پایگاه‌های اطلاعاتی اسکوپوس<sup>۳</sup>، پاب مد<sup>۴</sup>، کتابخانه مجازی سلامت<sup>۵</sup> و *Psyc Info* و جستجوی متقابل چهار مترادف انگلیسی کلمه "سالمند" ("سالخورده"، "پیری"، "مسن" و "سالمند") با اصطلاحات "کیفیت

<sup>1</sup> global malmquist index

<sup>2</sup> oecd

<sup>3</sup> scopus

<sup>4</sup> pubmed

<sup>5</sup> virtual health library

زندگی" و "سبک زندگی" به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت بدنی، رژیم غذایی، ترکیب بدن، مصرف الکل، استعمال دخانیات و روابط اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی بر درک کیفیت زندگی سالمندان تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این عوامل، ویژگی‌های اجتماعی جمعیت، ظرفیت عملکردی، کیفیت خواب و بیماری‌های مشترک نیز عواملی هستند که بر کیفیت زندگی سالمندان تأثیر می‌گذارند (Ferreira & et. al, 2018, 616).

Haux & et. al (2014) در پژوهشی تحت عنوان فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات برای ارتقاء و حفظ کیفیت زندگی، سلامتی و خودکفایی در جوامع پیری - نتایج حاصل از طراحی شبکه تحقیقاتی ساکسونی پایین محیط برای سالخوردگی (GAL) معتقد هستند که فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) با توجه به کیفیت زندگی و کیفیت و کارایی فرایندهای مراقبت‌های بهداشتی ممکن است به حمایت مناسب شهروندان سالخورده در جامعه سالمند کمک کند. برای تحقیق، طرح شبکه تحقیقاتی زاگسن نوری محیط‌های مربوط به سالخوردگی (GAL) به‌عنوان یک پروژه تحقیقاتی ۵ ساله، از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ تأسیس کرده‌اند. فناوری‌های زندگی با کمک به محیط زیست (AAL) در محیط‌های شخصی و خانگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. در کل ۷۹ آپارتمان از سالمندان مجهز به "فن‌آوری GAL" خاص بود، و بینش جدیدی در مورد استفاده از داده‌های حسگر برای خانه‌های هوشمند فراهم می‌کرد. عمده چالش‌هایی که باید با آنها روبرو بودند، برخورد سازنده با جنبه‌های کاملاً بین و چند رشته‌ای GAL، با توجه به تحقیق در مورد سناریوهای کاربردی GAL، تغییر از تئوری و آزمایش آزمایشگاهی به تست‌های میدانی و پیچیدگی سازماندهی بود و از نظر آنها مدیریت چنین پروژه بزرگی با موفقیت بود (Haux & et. al, 2014: 167-168).

Ying Hung & Song Lu (2014) با اشاره به اینکه تایوان سریع‌ترین جمعیت پیر را در جهان دارد؛ با هدف ترویج جامعه سالمندی به رفتار دوستانه با افراد سالخورده و ترغیب یادگیری هم‌هنگ در میان آنها مطالعه‌ای تحت عنوان "پژوهش روی سبک زندگی سالم، پیری فعال و تنهایی سالمندان" روی افراد سالخورده که در دانشگاه برای برنامه‌های سالخوردگی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ توسط وزارت آموزش و پرورش تایوان شرکت کرده‌اند، انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که بیشتر دانش‌آموزان بزرگ، زن و دارای تحصیلات دبیرستانی هستند و خود را سالم می‌دانند. دانش‌آموزان بزرگ نسبت به کیفیت کلی ارزیابی زندگی و میزان رضایت از سلامت کلی، درک مثبت دارند. با این حال، یافته‌ها همچنین عدم تعادل جنسیتی را در بین سالمندان که در یادگیری یا فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند، نشان داد (Jui-Ying Hung & Kuo-Song Lu, 2014: 353)؛ همچنین مشخص شد که سبک

زندگی سالم سالمندان، به‌ویژه جنبه‌های بیولوژیکی، روانی و اجتماعی بر علاقه و انگیزه آنها برای مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارد (Ibid: 360).

Caryl Bosman (2012) در مقاله‌ای تحت عنوان "Gerotopia" مسکن خطرناک برای جمعیت مسن<sup>۱</sup> به بررسی تأثیر ترجیحات سبک زندگی بومر کودک<sup>۱</sup> روی جنبه‌های مسکن هنگام ورود به دوران بازنشستگی پرداخته است. این تجزیه و تحلیل بر پدیده در حال ظهور، در استرالیا و نیوزلند، انجمن‌های سبک زندگی بزرگسالان فعال (AALC) تمرکز دارد. وی با استفاده از تئوری‌های زندگی خوب و خطرناک برای ایجاد زمینه برای تجزیه و تحلیل، تأثیرات AALC را در ایالات متحده بررسی و بینش‌های مهمی در مورد برنامه‌ریزی و تهیه مسکن برای سالمندی ارائه کرده است. تحقیقات او نشان می‌دهد که AALC‌ها کالاهای قابل فروش هستند و سهم مثبتی در ایجاد سلامت و رفاه ساکنان دارند (Bosman, 2012: 157). AALC‌ها اجتماعات برنامه‌ریزی شده جداگانه سنی هستند که به‌طور ویژه برای بزرگسالان بازنشسته فعال بین سنین ۵۵ و ۷۴ سال طراحی شده‌اند (Ibid: 159).

Bernard & et. al (2004) مطالعه‌ای تحت عنوان سبک زندگی جدید در سلامت، هویت، و رضایت‌مندی سالخورده‌گان در دهکده بازنشستگی Berryhill به مدت سه ساله انجام داده‌اند (۲۰۰۳-۲۰۰۰). در نهایت، مطالعه ارایه شده روی آنچه می‌توان آموخت عموماً در مورد اینکه چگونه زندگی در دهکده‌های جدید بازنشستگی ساخته شده روی سلامت، هویت و رفاه ساکنان تأثیر می‌گذارد (Bernard & et. al, 2004: 1).

فراتر از این، قصد بررسی این است که این مدل جدید اقامت و مراقبت می‌تواند بهبود زندگی افراد سالخورده را فراهم کند و پیامدهای وسیعتری را برای کسانی که ممکن است در آینده برای توسعه جوامع بازنشستگی توسعه دهند، ایجاد کند. (Ibid: 3).

مدلی از پیری موفقیت‌آمیز در جمعیت انگلیس پژوهشی بود که Yvonne G. Doyle & et. al, 2010 در آن به دنبال ایجاد الگویی از پیری موفقیت‌آمیز در یک جمعیت بریتانیا بوده‌اند که عناصر ذهنی و عینی پیری موفقیت‌آمیز را که قبلاً پیشنهاد شده‌اند، ترکیبی کند. از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تهیه مدلی از پیری موفقیت‌آمیز استفاده شده که از نظر عینی و عینی تعریف شده است. داده‌ها شامل ۱۵۰۰۰ فرد در سن ۵۰ سالگی در انگلستان بود که در نظرسنجی‌های بهداشتی و سبک زندگی (HALS) (پیگیری < ۷ سال) و بررسی طولی انگلیسی از سالخوردگی (ELSA) (در پیگیری < ۲ سال) استفاده شدند (Yvonne G. ).

<sup>۱</sup> فردی که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم متولد شده است، هنگامی که موقتاً افزایش قابل توجه نرخ تولد وجود دارد.



Doyle and et. al, 2010: 72). در پیگیری ۷ ساله، مدل اندازه‌گیری نشان می‌دهد که سلامت خود اظهار شده و اینکه فرد نسبت به همسالان خود چه میزان فعالی احساس می‌کند، قوی‌ترین روابط را با عامل ذهنی خود یعنی اعتماد به نفس داشته است (Ibid). آنها همچنین عناصر انعطاف‌پذیری را تعیین کردند، جایی که وضعیت روانشناختی و رضایت‌مندی در ابتدا منجر به ایجاد دیدگاه‌های ذهنی از سبک زندگی و بهزیستی فرد می‌شود و بر فعالیت‌هایی که افراد مسن درگیر آن هستند تأثیر می‌گذارد (Ibid: 75).

بوتین، گریفین و همکاران طی پژوهش خود در سال (۲۰۰۹)، به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌ها و سبک زندگی بر کاهش مصرف مواد، ارتقاء سطح کیفیت زندگی و بهبود راهکارهای مقابله‌ای مؤثر در مقابله با مشکلات و شرایط فشارزا تأثیر مثبتی داشته است. با توجه به این موضوع امیری و برمکوهی عنوان کردند که اجرای برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی با ایجاد تغییراتی در خودآگاهی، درک و فهم احساسات و افکار، سبک‌های ارتباطی، گرایش‌های رفتاری، احساس خود کارآمدی و کفایت فردی در دانشجویان منجر به تغییر رفتار و در نهایت افزایش کیفیت زندگی آنان شده است (Niazi & et. al, 2016: 213).

در یک پژوهش در حوزه سلامت آگاه‌ه‌ریس و همکاران (۱۳۹۱)، با مطالعه از میان ۲۶ نفر زن دریافتند که هر دو مداخله اصلاح سبک زندگی و شناختی به کاهش  $BMI^1$  و بهبود کیفیت زندگی و بهزیستی مرتبط با چاقی می‌انجامد. اما دو مداخله در اصلاح متغیرهای پژوهش تفاوت معناداری با هم نداشتند. همچنین آنها نتیجه‌گیری کردند که دو مداخله با اصلاح باورهای مخرب و رفتارهای نارسا کنش‌ور افراد درباره غذا خوردن به بهبود کنش‌وری جسمی و کاهش ناراحتی بدنی همراه با اصلاح شاخص‌های اضافه وزن منجر می‌شوند (Agah & et. al, 2012: 2).

Mere Kende (2001) در پژوهشی تحت عنوان برتری رژیم غذایی روستایی و سبک زندگی در به حداقل رساندن خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی در پاپوا گینه نو با روش مقایسه‌ای و نمونه آماری ۲۲۱ نفر در طول ۵ سال (شامل ۱۲۳ نفر از روستاهای دورافتاده سامبرگی و ۹۸ نفر از بستگان‌شان بود که در بندر مورسبی زندگی می‌کردند). به این نتیجه رسید که افزایش قابل توجهی در فاکتورهای خطر ابتلا به  $CVD^2$  در جمعیت شهری نسبت به ساکنان روستایی وجود دارد. این امر عمدتاً به دلیل اتخاذ شیوه زندگی و رژیم غذایی غربی

<sup>۱</sup>  $BMI$  شاخص توده بدنی و سنجش آماری تناسب وزن و قد فرد و مخفف  $Body Mass Index$  است.

<sup>۲</sup>  $CVD$  بیماری قلبی عروقی و مخفف  $Cardiovascular Disease$  است.

به دلیل انتقال مردم از روستاها به شهر بندر موریسی صورت می‌گرفت (Kende, 2001: 135).

### مبانی نظری پژوهش

#### الف) سبک زندگی

سبک زندگی از مفاهیمی است که توسط متخصصان روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، اقتصاد، بازاریابی و علوم سلامت مورد مطالعه قرار گرفته است. آلفرد آدلر (۱۹۵۶)، در روان‌شناسی و ماکس وبر (۱۹۶۸)، تورشتاین ویلن (۱۸۹۹) و جرج زیمل (۱۹۷۸)، نیز در جامعه‌شناسی و اقتصاد از پیشگامان نظریه‌پردازی در این زمینه بوده‌اند. سبک زندگی در متون اولیه عمدتاً به معنی کلی "شیوه زندگی" و در اشتراک مفهومی با فرهنگ، ساختار، طبقه و گروه مورد بحث قرار گرفته است. با اینکه بعدها نظریه‌پردازان متأخری همچون بوردیو (۱۹۹۷)، چانی (۲۰۰۲)، گیدنز (۱۳۷۸)، هندریکس و راسل (۲۰۰۹)، تحلیل‌های تخصصی‌تری در این موضوع ارائه نموده‌اند، اما به دلیل گستردگی فضای مفهومی سبک زندگی، حتی در درون هر یک از رشته‌های تخصصی نیز، تعریف مشترکی از این مفهوم مشاهده نمی‌شود (Hassani & et. al, 2017: 24).

اصطلاح سبک زندگی را نخستین بار در سال ۱۹۲۲ میلادی آلفرد آدلر، روان‌شناس اتریشی به‌عنوان موضوعی مطالعاتی در روان‌شناسی مطرح کرد و پس از یک دوره افول، دوباره از سال ۱۹۶۱ میلادی مورد اقبال اندیشمندان به‌ویژه جامعه‌شناسان قرار گرفت. جامعه‌شناسان در این توجه جدید، رویکرد دیگری به سبک زندگی یافته بودند. دو برداشت و دو گونه مفهوم‌سازی متفاوت از مفهوم سبک زندگی به عمل آمده است. در فرمول‌بندی نخست که پیشینه آن به دهه ۱۹۲۰ میلادی باز می‌گردد؛ سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به‌عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است. ... در فرمول‌بندی دوم، سبک زندگی، به راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (Jabaran, 2015: 174-175).

وقتی دنیای اجتماعی متحول می‌شود، به مفاهیمی نو برای درک کردن آن نیازمندیم و حال که به نظر می‌رسد "مهم‌ترین تحول پدید آمده در قرن اخیر گسترش تاریخی مصرف

<sup>1</sup> way of life

بوده است"، به مفاهیم جدیدی نیاز داریم که بتوانند تحول پدید آمده را در خود بروز داده و برنامه پژوهشی جدیدی را نیز پیش روی علوم اجتماعی قرار دهند. ظاهراً سبک زندگی می‌تواند به‌عنوان متغیری مناسب چنین تحولی را تبیین کند ( *Afsharkohan and Rezaei, 2017: 162-163*).

ریمر چهار دلیل عمده زیر را در تجدید حیات این مفهوم شناسایی می‌کند: یک: فرایندهای "فردی شدن" که آزادی و حق انتخاب بیشتری را به‌خصوص برای جوانان در شرایط به سرعت رو به تغییر جهان داشته‌اند. دوم: رشد طبقه متوسط جدیدی که جهت‌گیری آنها آشکارا به سوی سرگرمی و مصرف است و عمدتاً جوانان شهری دارای مهارت‌های حرفه‌ای را در بر می‌گیرد. سوم افزایش روزافزون مباحثات آکادمیک در خصوص "پست مدرنیسم" که در آن، ظهور ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جدید، نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. چهارم: سهم مؤثر آثار بورديو در موضوع سبک‌های زندگی و به‌خصوص کتاب او در موضوع "نمایز" ( *Ganji & et. al, 2015: 133 & Rostami & Ardeshirzadeh, 2013: 20-22*).

سبک‌های زندگی نتیجه همه انتخاب‌ها و گزینش‌هایی هستند که شخص نسبت به زندگی خود انجام می‌دهد. سبک‌های زندگی برنامه‌های خلاقیتی هستند که بر پایه نمایش توان و شایستگی مصرف‌کننده استوارند و نشان‌گر تأمل فزاینده قلمداد می‌شوند که افراد در عمل و داد و ستدهای روزمره به نمایش می‌گذارند ( *Rezaei & et. al, 2015: 5-6*).

آنچه مفهوم سبک زندگی را به کیفیت زندگی پیوند می‌زند این ویژگی سبک زندگی است که شامل مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی است که یک فرد به منظور تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد و کیفیت و شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت او است ( *Niazi & et. al, 2016: 208*).

در نظریه وبلن "سبک زندگی با تحلیل‌های او از طبقه مرفه جامعه آمریکا پیوند می‌خورد" ( *Koohi Nasrabadi & et. al, 2015: 148*).

سبک‌های زندگی نیروی توانمندی هستند که بر رفاه و بهزیستی افراد و اجتماعات بشری تأثیر می‌گذارند. زندگی افراد در سایه این سبک‌ها دگرگون می‌شوند. از خلال سبک‌های زندگی، افراد توانایی‌های خود را ارتقا می‌بخشند و در پرتو آنها بینش، آگاهی و معنایی بیشتر برای تجربه‌های مختلف زندگی خود به‌دست می‌آورند. این سبک‌ها و اجزای آنها همچون فراغت، فرصت‌هایی برای تعمق و تأمل و همچنین خلاقیت برای افراد فراهم می‌کنند. در اغلب موارد، روابط جدید، دوستی‌ها، اشکال جدید تماس اجتماعی و پیوندها، در

خلال انجام فعالیت‌های سبک‌های زندگی در دسترس افراد قرار می‌گیرد. این روابط که بخشی از سرمایه اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهند، در چگونگی کیفیت زندگی و اجزای سازنده آن نقش مهمی دارند (Khajeh Nouri & Soroush, 2014: 26-27).

#### ب) کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست. این مفهوم سابقه در فلسفه یونان دارد (Ghaffari and Omid, 2009: 3). از دیدگاه علم معنی‌شناسی، واژه "کیفیت" به صفت‌ها یا ویژگی‌های معین موضوع موجود (در اینجا زندگی) بر می‌گردد و "زندگی" یک طبقه گسترده شامل همه هستی‌زنگانی می‌باشد. مشکل اینجاست که زندگی می‌تواند از جنبه‌های مختلف تحلیل شود؛ و بنابراین کیفیت زندگی یک مفهوم چند زمینه‌ای می‌شود (Fernandez-Ballesteros, 1998: 388). نوشته‌های مربوط به کیفیت زندگی نشان می‌دهد که در خصوص سازه کیفیت زندگی با تعدد تعاریف مواجهیم که این امر می‌تواند ناشی از سه عامل مختلف باشد: یکی چند بعدی بودن این سازه، دیگری کاربرد آن در حوزه‌های حرفه‌ای متفاوتی چون پزشکی، روانشناسی، جغرافیای انسانی، مطالعات توسعه، اقتصاد، جامعه‌شناسی و در نهایت سطح تحلیل که می‌تواند مربوط به عاملان، فرایندها، موقعیت‌ها و یا ساختارها باشد (Ghaffari and Omid, 2009, 3). "کیفیت زندگی به وسیله نویسندگان مختلفی به‌عنوان یک مفهوم "انتزاعی"، "سست"، "بی‌شکل" (Birren and Dieckmann, 1991) بررسی شده است؛ یا به‌عنوان "بی‌حد و مرز" (Hughes, 1990) که برای تعریفی دقیق بیش از حد مشکل بوده است (Andesen, Davidson & Ganz, 1994)؛ و "مشکل برای کاربردی شدن" (Lawton, 1991) و حتی به‌عنوان چیزی که "معنی‌اش وابسته به، بکاربرنده واژه می‌باشد" (Fowlie & Berkely, 1987). کیفیت زندگی به‌عنوان معادل خوشبختی در حوزه اجتماعی (Campbell, 1981)، وضع بهداشتی در زمینه زیست - پزشکی (همچنین بهداشت کیفیت زندگی نامیده شده است)؛ (Naughton & Wiklund, 1993)، و رضایت زندگی در زمینه روانشناسی (Palys & Little, 1983) تعریف شده است" (Fernandez-Ballesteros, 1998: 390). Georg Bernard Shaw در سال ۱۹۰۰ در واکنش به تک بعدی بودن این تعریف، اظهار داشتند که زندگی خوب و مناسب صرفاً زندگی توأم با شادی و خوشحالی نیست و بدین منظور عبارت "کیفیت زندگی" را جایگزینی برای آن نمودند (Fayers and Machi, 2000, 4-8). اما پیگو اولین دانشمند اجتماعی بود که اصطلاح

"کیفیت زندگی" را در مبحثی از اقتصاد و رفاه اشاره کرد (Walker & Van Der Maesen, 1997: 17; Draper, 2003: 15؛ و همچنین نگاه کنید به Moons & et. al, 2006).

کیفیت زندگی بسته به حوزه علمی نویسنده با تأکید روی برخی از اجزایش تعریف شده است (Fernandez-Ballesteros, 2011: 23). بنابراین در رویکردهایی که در مورد کیفیت زندگی مطرح شده است؛ بسته به اینکه در چه حوزه‌ای از علوم ارائه شده باشند؛ می‌توان چهار جنبه را به خوبی مشاهده کرد: جنبه ذهنی، عینی، فردی (درونی) و اجتماعی (بیرونی). اما اکثر تعاریفی که در مورد کیفیت زندگی ارائه شده است؛ گویای جنبه‌های ذهنی و فردی این مفهوم می‌باشند. همان‌طور که Walker & Van der Maesen یادآور شده‌اند بیشترین تحقیقات اخیر در زمینه کیفیت زندگی در آمریکا و با تأکید بر رضایت، خوشنودی و رفاه انجام شده بود (Ibid, 2003: 14).

در میان این رویکردها "دو رویکرد نسبتاً مخالف برجسته‌اند؛ آنهایی که دو موقعیت بی‌نهایت جدا از هم روی محوری پیوسته از مفاهیم رایج در دسترس تعریف می‌کنند (Noll/ Zapf, 1994)؛ رویکرد سطح زندگی اسکاندیناوی (Erikson, 1993; Usitalo, 1994) و رویکرد کیفیت زندگی آمریکایی (Campbell/ Converse/ Rodgers, 1976). به‌عنوان دو ادراک و تحلیل عملکرد متمایز از رفاه و کیفیت زندگی، رویکرد اسکاندیناوی تقریباً به‌طور ویژه بر منابع و شرایط زندگی عینی تأکید دارد؛ در حالی که رویکرد آمریکایی بر رفاه ذهنی افراد به‌عنوان نتیجه نهایی شرایط و روندها تأکید می‌کند" (Genov, 2004: 156). با این حال، تا به امروز هیچ اجماعی حاصل نشده است که آیا کیفیت زندگی باید محدود به اقدامات عینی یا ذهنی باشد یا خیر (Zeng & et. al., 2020: 241). رفاه ذهنی بر این فرض استوار است که "یک شخص زندگی خود را با زمینه‌ای از معیارهایش چگونه احساس می‌کند" (Diener & Suh, 1997: 191). طبق نظر اینوگوچی و فوجی در ارزیابی کیفیت زندگی افراد همه مواردی را که برایشان مهم است در نظر می‌گیرند و کیفیت کلی زندگی خود را به‌عنوان یک کل قضاوت می‌کنند؛ در حالی که همزمان جنبه‌های خاصی را در حوزه‌های زندگی خود انتخاب می‌کنند و در مورد هر یک از این حوزه‌ها به‌طور جداگانه قضاوت می‌کنند (Inoguchi and Fujii, 2013: 4). به‌عبارت دیگر از این نقطه نظر "افراد در مرکز قضاوت در مورد کیفیت زندگی شخصی خویش قرار داده می‌شوند" (Walker & Van der Maesen, 2003: 15). Torres Carrillo, 2006 معتقد است که ذهنیت فراتر از زندگی اجتماعی است و در همه پویایی‌های اجتماعی زندگی روزمره، چه در فضاهاى خرد اجتماعی و چه کلان و همچنین در تجربه روزانه ذهنی و اجتماعی وجود دارد (Tonon, 2015: 23).

"در حالی که شاخص‌های اجتماعی عینی آماره‌هایی هستند که واقعیت‌های اجتماعی را مستقل از ارزیابی شخصی ارائه می‌کنند" (Genov, 2004: 156).

از سوی دیگر رویکردهایی که از دید فردی به کیفیت زندگی نگاه می‌کنند بر این نظرند که "مردم آن چیزهایی را انتخاب خواهند کرد که بیشترین کمک را به کیفیت زندگی‌شان می‌کند. بنابراین، در این عقیده، تعریف کیفیت زندگی یک جامعه بر این اساس است که آیا شهروندان می‌توانند به چیزهایی که مایلند دست یابند یا نه" (Diener & Suh, 1997: 190). در مقابل این رویکرد، رویکردهای کیفیت اجتماعی هستند که این‌گونه تعریف شده‌اند: "شمول شهروندانی که قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جوامع‌شان هستند در شرایطی که به رفاه و ظرفیت‌های فردی‌شان کمک می‌کنند" (Walker & Van Der Maesen, 2003: 4). همان‌طور که مشخص است در این‌گونه رویکرد اصالت به جامعه و شاخص‌های جمعی داده می‌شود. "در این رویکردها، کیفیت زندگی نه به تجارب ذهنی مردم و نه به انجام آرزوهایشان بستگی دارد" (Diener & Suh, 1997: 190). به عقیده برخی پژوهشگران کیفیت اجتماعی به دلیل اینکه به‌طور نظری مطرح شده است؛ و به دلیل اینکه اجتماعی و نه تنها فردی دیده می‌شود؛ و به دلیل اینکه شامل ابعاد جدیدی از ناگرهاست که توانایی فرهنگی و فردی را منظور می‌کند؛ پیشرفتی در کیفیت زندگی ارائه می‌دهد (Wallace & Abbott, 2009: 10). به‌عبارت دیگر کیفیت اجتماعی "پیوندی اساسی بین نیاز، عمل و سیاست‌ها در میان توسعه اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌کند" (Abbott & Wallace, 2012: 155). از جمله این رویکردها می‌توان به نظریه "قابلیت" (Amartya Sen) اشاره کرد. "سن فکر می‌کند که در تعدادی از زمینه‌ها مخصوصاً آنهایی که مربوط به سیاست هستند؛ می‌بایست مراقب قابلیت‌های مردم و نه فقط عملکردهایشان باشیم؛ کیفیت زندگی باید با اصطلاح قابلیت رسیدن به عملکردهای قابل دسترس ارزیابی شود" (Morris, 2010: 7). به‌عبارت دیگر سن معتقد است که جامعه می‌بایست توانایی‌های شهروندانش را افزایش دهد.

فیلیپس کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد (Ghaffari and Omid, 2009, 9-10). در عین حال به بحث‌های موردی<sup>۱</sup> و کاستانزا هم باید اشاره کرد. موردی برای کیفیت زندگی سه شاخص امنیت اقتصادی - اجتماعی همبستگی اجتماعی و در نهایت تداوم‌پذیری در نظر گرفته است (Ibid: 118). اما کاستانزا مدلی ارائه می‌کند که در آن شرایط ایجابی کیفیت زندگی یا همان پیش‌بینی و سیاست‌گذاری‌ها و سازه کیفیت

<sup>1</sup> Murdie

زندگی جدای از هم در نظر گرفته شده‌اند. وی از نظر سازه کیفیت زندگی، به نیازهای انسان و دوم اینکه این نیازها چگونه ادراک شوند یعنی بهزیستی ذهنی را مد نظر قرار داده است. از معیشت، تولید نسل، امنیت، عاطفه، شناخت، مشارکت، اوقات فراغت، معنویت، خلاقیت، هویت، آزادی به‌عنوان نیازهای انسان اشاره دارد و بهزیستی ذهنی را شامل شادکامی، مطلوبیت، رفاه برای افراد و گروه‌ها می‌داند که می‌بایست از روی چگونگی تأمین نیازهای اساسی توسط فرد درک شود (Ghaffari and Omid, 2009, 107). همچنین از سه بعد رضایت زندگی شامل: ۱- رضایت ناشی از داشتن که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می‌باشد؛ ۲- رضایت ناشی از ارتباط که معطوف به روابط اجتماعی است؛ ۳- رضایت ناشی از دستیابی به اهداف و بعد جمعی کیفیت زندگی در قالب متغیرهای انسجام اجتماعی، ارتباط شبکه‌ای، اعتماد اجتماعی، احترام اجتماعی، دگرخواهی و نوع‌دوستی و عدالت اجتماعی، هم صحبت شده است (Ibid: 4).

### چارچوب و مدل نظری ارتباطی سبک زندگی و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مورد نظر تحقیق به‌عنوان متغیر وابسته مبتنی بر نگاهی ترکیبی است از رویکردهای اسکاندیناوی، آمریکایی و رویکرد کیفیت اجتماعی. رویکردهایی که از دید فردی به کیفیت زندگی نگاه می‌کنند بر این نظرند که "مردم آن چیزهایی را انتخاب خواهند کرد که بیشترین کمک را به کیفیت زندگی‌شان می‌کند. بنابراین، در این عقیده، تعریف کیفیت زندگی یک جامعه بر این اساس است که آیا شهروندان می‌توانند به چیزهایی که مایلند دست یابند یا نه" (Diener & Suh, 1997: 190)؛ همچنین کیفیت اجتماعی "پیوندی اساسی بین نیاز، عمل و سیاست‌ها در میان توسعه اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌کند" (Abbott & Wallace, 2012: 155). آمارتیا سن معتقد است کیفیت زندگی باید با قابلیت رسیدن به عملکردهای قابل دسترس ارزیابی شود (Morris, 2010: 7). به نظر کاستانزا، از نظر سازه، کیفیت زندگی، به نیازهای انسان و دوم اینکه این نیازها چگونه ادراک شوند یعنی بهزیستی ذهنی را مد نظر قرار داده است (Ghaffari and Omid, 2009: 107). رویکردهای کیفیت اجتماعی این‌گونه تعریف شده‌اند: "شمول شهروندانی که قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جوامع‌شان هستند در شرایطی که به رفاه و ظرفیت‌های فردی‌شان کمک می‌کنند" (Walker & Van Der Maesen, 2003: 4). بنابراین کیفیت زندگی عبارت است از برخورداری و دسترسی فرد به نیازهای اساسی و عینی فرد و تأمین و توسعه ابعاد جمعی زندگی او و رضایت ذهنی از برخورداری‌های مادی و اجتماعی زندگی خویش که ممکن است

این رضایت ذهنی در نیم‌نگاهی به مقایسه خود و جامعه و مقایسه آنچه هست و آنچه هدف‌گذاری کرده بود نیز حاصل شده باشد. کیفیت زندگی مورد نظر با در کنار هم قرار گرفتن سه رویکرد عینی، ذهنی و جمعی شامل متغیرهای درآمد و اشتغال، بهداشت، آموزش، محیط زیست، اوقات فراغت، مسکن، امکانات زندگی به‌عنوان مقوله کیفیت عینی، امنیت اجتماعی، ارتباط اجتماعی، حمایت اجتماعی، احترام اجتماعی، آزادی، اعتماد اجتماعی، عدالت اجتماعی به‌عنوان مقوله کیفیت اجتماعی و رضایت از زندگی به‌عنوان مقوله کیفیت ذهنی به شکل یک سازه نمود مفهومی و عملیاتی دارد.

از سوی دیگر به باور گیدنز، سبک زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهایی است که فرد آن را به کار می‌گیرد برای برآورده شدن نیازهای جاری خود ( *Rezaei & et. al, 2015:22-23 & Afsharkohan and Rezaei Kermajani, 2017, 162-163 & Khajeh Nouri & et. al, 2014: 83*). او معتقد است که سبک زندگی شامل انتخاب بسیاری از انتخاب‌های پیش رو است ( *Bayangani, 2013: 199*). همچنین گیدنز در مباحث خود از سبک زندگی به شاخص‌هایی از جمله غذا، پوشاک، مسکن، اتومبیل، عادات کاری، اشکال مختلف تفریح یا فراغت و انواع دیگری از رفتار منزلت‌جویانه، محیط دلخواه برای ملاقات کردن دیگران اشاره می‌کند که از مؤلفه‌هایی است که طبق نظریاتی که حول کیفیت زندگی وجود دارد کیفیت زندگی را می‌سازد و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد ( *Rezaei & et. al, 2015: 20 & Khani, 2015: 147*).

طبق نظر بوردیو "... رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت متفاوت شان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتن در میدان‌های اجتماعی گوناگون میان آنها ظاهر می‌شود ( *Rostami & Ardeshtirzadeh, 2013: 16-20*)" و "سبک‌های زندگی و سرمایه پیوندی نزدیک دارند ( *Atashin Sadaf & Kheiri, 2017: 35-36*). بوردیو معتقد است "میدان یک جهان اجتماعی واقعی است که مطابق قوانینش، شکل خاصی از سرمایه در آن انباشته می‌شود" و "افراد همواره برای کسب سرمایه تلاش می‌کنند اما امکان کسب آن سرمایه فقط در محدوده‌ای (میدان) که فرد در آن قرار دارد مقدور است" ( *Pir Babaei & Soltanzadeh, 2015: 75-76*). بوردیو سبک زندگی را محصول "انتخاب" های سلیقه‌ای می‌داند؛ که مصرف را جهت می‌دهد اما معتقد است که این انتخاب‌ها تحت تأثیر "موقعیت ساختاری" انجام می‌شوند ( *Khajeh Nouri & Soroush, 2014: 30-31*). بوردیو معتقد است که قدرت انتخاب مردم به "سرمایه / ثروت" آنها بستگی دارد. این ثروت نه تنها مادی، بلکه فرهنگی است (به‌عنوان مثال آموزش، آگاهی فرهنگی و هنر)، و همچنین نمادین است



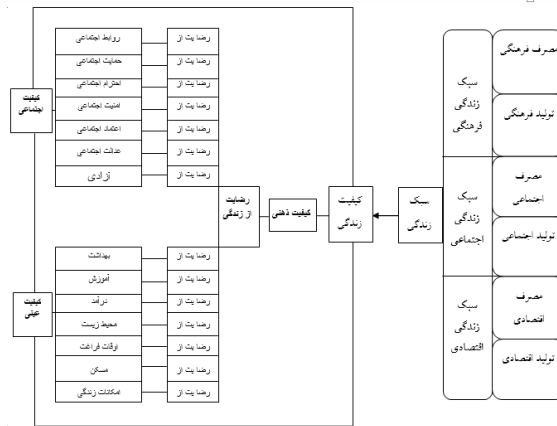
(Hatami & Bagheri, 2015: 3026). از نظر بورديو "هر قدر سرمايه فرد بيشتر باشد در فضاى اجتماعى در موقعيت بالاترى قرار مى‌گيرد (Eivazi, 2009: 148-149). همچنين به گفته كاستلز، مصرف عملكردى اجتماعى است كه با درون مايه خاص (ايدئولوژى) و روابط توزيع و همچنين تضادهائى كه با روابط توليد تعيين مى‌شود عينيت مى‌يابد (Hassani & et. al, 2017: 32). فضاى مفهومى مصرف در مقايسه با سبك زندگى محدود است، زيرا سبك زندگى، علاوه بر مصرف، شامل فعاليت‌هاى توليد محور نيز مى‌شود (Ibid: 39). مستند به اينكه پير بورديو علاوه بر بحث از مصرف، يكى از مهم‌ترين آثار خود را تحت عنوان "حوزه توليد فرهنگى"<sup>۱</sup> منتشر نموده است (Rezaei, 2004, 51-55) و همچنين تعاريفى كه نظريه‌پردازانى چون هابرماس، گيدنز، فوكو و بورديو از ساخت اجتماعى مى‌دهند همگى نشان از توليد فعالانه ابعاد اجتماعى است كه از لابه‌لاى كنش‌هاى ارتباطى و كنش‌هاى معطوف به زمان و مكان، فضا و ميدان اجتماعى و بر اساس اطلاعاتى كه افراد در دسترسشان دارند؛ شكل مى‌گيرد (Mousavi, 2008: 91). بنا بر اين سبك زندگى مورد نظر تحقيق به‌عنوان متغير مستقل مبتنى بر تعريف تركيبى است از بورديو از ميدان در نظريه تمايز و تعريف گيدنز از سبك زندگى و ساخت اجتماعى كه پيش‌تر به آن اشاره شد. لذا سبك زندگى مورد نظر متشكل از سبك زندگى اقتصادى، سبك زندگى اجتماعى و سبك زندگى فرهنگى كه هر کدام از اين سبك‌ها شامل فعاليتها و كنش‌هاى توليدى و مصرفى هستند كه آنها را به‌طور كلّى به سبك‌هاى زندگى توليدى و سبك‌هاى زندگى مصرفى و به‌طور خردتر سبك‌هاى زندگى توليدى اقتصادى، اجتماعى، فرهنگى و سبك‌هاى زندگى مصرفى اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى تقسيم مى‌كنند.

سبك‌هاى زندگى نيروى توانمندى هستند كه بر رفاه و بهزيستى افراد و اجتماعات بشرى تأثير مى‌گذارند. زندگى افراد در سايه اين سبك‌ها دگرگون مى‌شوند. از خلال سبك‌هاى زندگى، افراد توانايى‌هاى خود را ارتقا مى‌بخشند و در پرتو آنها بينش، آگاهى و معنائى بيشتر براى تجربه‌هاى مختلف زندگى خود به دست مى‌آورند. اين سبك‌ها و اجزاي آنها همچون فراغت، فرصت‌هاى براى تعمق و تامل و همچنين خلاقيت براى افراد فراهم مى‌كنند. در اغلب موارد، روابط جديد، دوستى‌ها، اشكال جديد تماس اجتماعى و پيوندها، در خلال انجام فعاليت‌هاى سبك‌هاى زندگى در دسترس افراد قرار مى‌گيرد. اين روابط كه بخشى

<sup>۱</sup> رجوع شود به حوزه توليد فرهنگى پير بورديو، رضايى، ۱۳۸۲، صفحات ۵۵-۵۱ كتاب ماه علوم اجتماعى.

از سرمایه اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهند، در چگونگی کیفیت زندگی و اجزای سازنده آن نقش مهمی دارند (Khajeh Nouri & Soroush, 2014: 26-27).

به‌طور کلی، آنچه مفهوم سبک زندگی را به کیفیت زندگی پیوند می‌زند این ویژگی سبک زندگی است که شامل مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی است که یک فرد به منظور تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد و کیفیت و شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت او است (Niazi & et. al, 2016: 208).



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

Figure 1: Theoretical Model of Research

### سؤالات پژوهش

- ۱- نمای سبک زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای شهرستان بندر ماهشهر چگونه است؟
- ۲- نمای کیفیت زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای شهرستان بندر ماهشهر چگونه است؟
- ۳- نقش و مسیر اثرگذاری سبک‌های زندگی روی کیفیت زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالا چگونه است؟
- ۴- نقش و مسیر اثرگذاری سبک‌های زندگی روی کیفیت زندگی عینی، جمعی، ذهنی شهروندان ۶۵ سال به بالا چگونه است؟

### فرضیات پژوهش

- ۱- تولید اقتصادی، تولید اجتماعی، تولید فرهنگی، مصرف اقتصادی، مصرف اجتماعی، مصرف فرهنگی، کیفیت زندگی را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند.
- ۲- سبک زندگی مصرفی و سبک زندگی تولیدی، کیفیت زندگی را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند.
- ۳- سبک زندگی اقتصادی و سبک زندگی اجتماعی، سبک زندگی فرهنگی، کیفیت زندگی را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند.

### روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر از نوع تحقیقات با رویکرد کمی است که به دنبال بررسی جامعه‌شناختی نقش سبک زندگی در کیفیت زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالا بوده است. این تحقیق با راهبرد روش پیمایش در بین جامعه آماری شهروندان ۶۵ سال به بالای شهرستان بندر ماهشهر انجام شده است. تعداد ۳۹۶ شهروند ۶۵ سال به بالا به‌عنوان نمونه آماری با فرمول کوکران تعیین، از طریق نمونه‌گیری مطبق و ابزار پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت ۰ تا ۶، داده‌های آماری آن جمع‌آوری و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی رگرسیون و تحلیل مسیر، تحلیل شده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر بخشی از پژوهش بزرگ‌تر با روش ترکیبی دلفی و پیمایش بوده که پایه آن روش دلفی و با ۳۰ نفر از اساتید و نخبگان و مطلعین به روش ناهمگن و در ۲ پلن بوده است؛ از اعتبارسنجی محتوایی برای پرسشنامه استفاده و برای پایایی آن از آزمون آلفای کرونباخ با ۳۰ پرسشنامه استفاده شده است.

### تعاریف متغیرها

- سبک زندگی عبارتند از کنش‌های الگومند تولیدی و مصرفی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با مؤلفه‌های سبک زندگی تولیدی اقتصادی، سبک زندگی تولیدی اجتماعی، سبک زندگی تولیدی فرهنگی، سبک زندگی مصرفی اقتصادی، سبک زندگی مصرفی اجتماعی و سبک زندگی مصرفی فرهنگی.
- سبک زندگی فرهنگی عبارت است از کلیه کنش‌های تولیدی و مصرفی در میدان و زمینه فرهنگی با مؤلفه‌های سبک زندگی تولیدی فرهنگی، سبک زندگی مصرفی فرهنگی.

- سبک زندگی اجتماعی عبارت است از کلیه کنش‌های تولیدی و مصرفی جمعی که بروز بیرونی و عینی دارند با مؤلفه‌های سبک زندگی تولیدی اجتماعی، سبک زندگی مصرفی اجتماعی.

- سبک زندگی اقتصادی عبارت است از کلیه کنش‌های رقابتی تولیدی و مصرفی در میدان و زمینه اقتصادی با مؤلفه‌های سبک زندگی تولیدی اقتصادی، سبک زندگی مصرفی اقتصادی.

- سبک زندگی تولیدی عبارتند از کلیه کنش‌های تولیدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زمان و مکان خواه مبتنی بر نیازهای واقعی، کاذب و یا زیبایی شناسانه باشد. با مؤلفه‌های سبک زندگی تولیدی اقتصادی، سبک زندگی تولیدی اجتماعی، سبک زندگی تولیدی فرهنگی.

- سبک زندگی مصرفی عبارتند استفاده و مصرف کلیه تولیدات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زمان و مکان خواه مبتنی بر نیازهای واقعی، کاذب و یا زیبایی‌شناسانه باشد. با مؤلفه‌های سبک زندگی مصرفی اقتصادی، سبک زندگی مصرفی اجتماعی و سبک زندگی مصرفی فرهنگی.

- کیفیت زندگی عبارت است ترکیبی از برخورداری و دسترسی فرد به ابعاد عینی و تأمین و توسعه ابعاد جمعی زندگی او و کیفیت ذهنی که رضایت ذهنی از برخورداری‌های مادی و اجتماعی زندگی خویش که ممکن است این رضایت ذهنی در نیم نگاهی به مقایسه خود و جامعه و مقایسه آنچه هدف‌گذاری کرده بود و آنچه هست و حاصل شده باشد را شامل می‌شود. مؤلفه‌هایی که کیفیت زندگی را تشکیل می‌دهند عبارتند از بهداشت، آموزش، محیط زیست، درآمد، اوقات فراغت، مسکن، امکانات زندگی به‌عنوان کیفیت عینی، روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احترام اجتماعی، حمایت اجتماعی، عدالت اجتماعی، آزادی، امنیت اجتماعی به‌عنوان کیفیت جمعی و در نهایت رضایت از زندگی به‌عنوان کیفیت ذهنی.

- کیفیت زندگی عینی عبارت است از برخورداری و دسترسی فرد به نیازهای اساسی و عینی با مؤلفه‌های درآمد، آموزش، بهداشت، محیط زیست، اوقات فراغت، مسکن، امکانات زندگی.

- کیفیت زندگی جمعی عبارت است تأمین و توسعه ابعاد جمعی زندگی فرد با مؤلفه‌های امنیت اجتماعی، ارتباط اجتماعی، حمایت اجتماعی، آزادی، احترام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عدالت اجتماعی.

- کیفیت زندگی ذهنی عبارت است رضایت ذهنی از برخورداری‌های مادی و اجتماعی زندگی خویش که ممکن است این رضایت ذهنی در نیم‌نگاهی به مقایسه خود و جامعه و مقایسه آنچه هست و آنچه هدفگذاری کرده بود نیز حاصل شده باشد.

جدول ۱: آزمون آلفای کرونباخ

Table 1: Cronbach's Alpha Test

آلفای کرونباخ	گویه‌ها	آلفای کرونباخ	گویه‌ها
Cronbach's Alpha	Objects	Cronbach's Alpha	Objects
۰.۸۰۰	سبک زندگی	۰.۸۳۶	کیفیت زندگی
۰.۷۹۶	سبک زندگی اقتصادی	۰.۸۰۲	کیفیت زندگی عینی
۰.۸۶۸	سبک زندگی اجتماعی	۰.۸۲۰	کیفیت زندگی جمعی
۰.۷۳۷	سبک زندگی فرهنگی	۰.۸۸۶	کیفیت زندگی ذهنی

### یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل پیمایش به نتایجی رسیده است که به پاسخ پرسش‌های پژوهش کمک کرده که در ادامه آورده شده است:

#### - میانگین کیفیت زندگی و ابعاد عینی، جمعی و ذهنی کیفیت زندگی

با توجه به خروجی جدول آمار توصیفی که میانگین کیفیت زندگی و ابعاد آن را نمایش می‌دهد؛ مشخص است که شهروندان ۶۵ سال به بالا به ترتیب با کیفیت زندگی عینی با میانگین ۱۴۸.۰۷ امتیاز که ۶۱.۶۹ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این بعد کیفیت زندگی است، کیفیت زندگی ذهنی با میانگین ۱۸.۸۳ امتیاز که ۵۲.۳ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این بعد کیفیت زندگی است، کیفیت زندگی جمعی با میانگین ۶۴.۲۸ امتیاز که ۴۱.۲ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این بعد کیفیت زندگی است؛ بیشترین درصد برخورداری در آن ابعاد کیفیت زندگی خود را داشته‌اند.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که کیفیت زندگی عینی، ذهنی و جمعی در بین شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه به ترتیب بیشترین درصد تحقیق را داشته‌اند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که شهروندان ۶۵ سال به بالا در مجموع از کیفیت زندگی با میانگین ۲۳۱.۱۹ امتیاز که ۵۳.۵۱ درصد از حداکثر میانگین بالقوه کیفیت زندگی است؛ برخوردار بوده‌اند که در

مجموع این میزان برخورداری از کیفیت زندگی حدود کمی بیش از نیمی از سطح کیفیت زندگی مورد انتظار بوده است.

جدول ۲: آمارهای توصیفی

Table 2: Descriptive Statistics

	تعداد	دامنه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
	Number	Domain	At Least	Maximum	Average	Standard Deviation
کیفیت زندگی عینی	۳۹۶	۹۸/۰۰	۱۰۲/۰۰	۲۰۰/۰۰	۱۴۸/۰۷۰۷	۲۱/۳۳۹۲۸۹
کیفیت زندگی جمعی	۳۹۶	۹۵/۰۰	۲۰/۰۰	۱۱۵/۰۰	۶۴/۳۸۲۸	۱۵/۷۴۷۰۸
کیفیت زندگی ذهنی	۳۹۶	۳۶/۰۰	۰/۰۰	۳۶/۰۰	۱۸/۸۳۳۳	۶/۵۹۶۳۲
کیفیت زندگی	۳۹۶	۲۱۵/۰۰	۱۲۴/۰۰	۳۳۹/۰۰	۲۳۱/۱۹۱۹	۳۵/۷۰۶۵۹
Valid N (Listwise)	۳۹۶					

### – میانگین سبک‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تولیدی و مصرفی

با توجه به خروجی جدول آمار توصیفی که میانگین سبک‌های زندگی را نمایش می‌دهد؛ مشخص است که شهروندان ۶۵ سال به بالا به ترتیب با سبک زندگی اجتماعی با میانگین ۵۷.۱۵۶ امتیاز که ۴۵.۳۶ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این سبک زندگی است، سبک زندگی مصرفی با میانگین ۵۳.۴۰۴ امتیاز که ۴۰.۴۵ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این سبک زندگی است، سبک زندگی تولیدی با میانگین ۲۵.۸۷۸ امتیاز که ۳۳.۱۷ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این سبک زندگی است، سبک زندگی اقتصادی با میانگین ۱۱.۵۷۵ امتیاز که ۳۲.۱۵ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این سبک زندگی است، سبک زندگی فرهنگی با میانگین ۱۰.۵۵ امتیاز که ۲۱.۹۸ درصد از حداکثر میانگین بالقوه این سبک زندگی است؛ بیشترین درصد استفاده و بکارگیری در زندگی خود را داشته‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که سبک زندگی در بین شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه مورد تحقیق به ترتیب اجتماعی، مصرفی، تولیدی، اقتصادی و فرهنگی است.

به طور خلاصه سبک زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از تقسیم‌بندی حوزه‌های اجتماعی و سبک زندگی مصرفی و تولیدی از تقسیم‌بندی دیگر به ترتیب بیشترین درصد استفاده را در بین شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه مورد تحقیق داشته است. به طور کلی شهروندان ۶۵ سال به بالا، سبک زندگی با میانگین ۷۹.۲۸ امتیاز که ۳۷.۷۵ درصد از حداکثر میانگین بالقوه خود است؛ را برخوردار بوده است که تقریباً کمی بیشتر از یک سوم درصد

امکان استفاده و بکارگیری در زندگی است؛ که می‌شود نتیجه گرفت سبک زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه منفعلانه بوده است.

جدول ۳: آمارهای توصیفی

Table 3: Descriptive Statistics

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	دامنه	تعداد
Standard Deviation	Average	Maximum	At Least	Domain	Number
۵/۸۴۴۵۵	۱۱/۵۷۵۸	۲۷/۰۰	۰/۰۰	۲۷/۰۰	۳۹۶
۱۳/۶۱۵۷۳	۵۷/۱۵۶۶	۹۸/۰۰	۱۱/۰۰	۸۷/۰۰	۳۹۶
۵/۷۵۷۵۵	۱۰/۵۵۰۵	۳۰/۰۰	۰/۰۰	۳۰/۰۰	۳۹۶
۸/۴۹۵۱۵	۲۵/۸۷۸۸	۵۱/۰۰	۵/۰۰	۴۶/۰۰	۳۹۶
۱۳/۸۸۰۸۱	۵۳/۴۰۴۰	۹۹/۰۰	۱۰/۰۰	۸۹/۰۰	۳۹۶
۲۱/۳۸۳۷۹	۷۹/۲۸۲۸	۱۴۰/۰۰	۱۷/۰۰	۱۲۳/۰۰	۳۹۶
					۳۹۶
					Valid N (Listwise)

- تولید اقتصادی، تولید اجتماعی، تولید فرهنگی، مصرف اقتصادی، مصرف اجتماعی، مصرف فرهنگی، کیفیت زندگی را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به ضریب همبستگی ۰.۶۱۹ خلاصه مدل آزمون رگرسیون که در جدول ۴ مشاهده می‌شود می‌بایست گفت که بین مجموعه متغیرهای مستقل تولید اقتصادی، تولید اجتماعی، تولید فرهنگی، مصرف اقتصادی، مصرف اجتماعی، مصرف فرهنگی، و متغیر وابسته کیفیت زندگی همبستگی خوبی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۳۷۴ می‌باشد نشان می‌دهد که ۳۷.۴ درصد از کل تغییرات کیفیت زندگی وابسته به ۶ متغیر مستقل ذکر شده می‌باشند.

به عبارت دیگر مجموعه متغیرهای مستقل، بیش از یک سوم از واریانس متغیر کیفیت زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. از سوی دیگر با توجه به معنی‌داری آزمون  $F$  (۴۰.۳۶۱) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ برگرفته از جدول ۵ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۶ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته کیفیت زندگی مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات کیفیت زندگی را پیش‌بینی کنند. اما ارزیابی جدول ۶ نشان می‌دهد که ۴ متغیر مصرف اجتماعی، مصرف اقتصادی، مصرف فرهنگی و تولید اجتماعی به ترتیب با ضرایب بتای استاندارد شده ۰.۲۴۵، ۰.۱۷۷، ۰.۱۳۸ و ۰.۱۳۴. بیشترین

همبستگی مثبت معنی‌دار و بدون واسطه را با متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی داشته‌اند؛ در حالی که متغیرهای مصرف اجتماعی، تولید اجتماعی، مصرف اقتصادی، مصرف فرهنگی، تولید اقتصادی و تولید فرهنگی به ترتیب با همبستگی مرتبه صفر ۰.۵۳۷، ۰.۵۱۹، ۰.۴۹۱، ۰.۴۷۳، ۰.۳۶۱، ۰.۳۰۲. بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی داشته‌اند.

جدول ۴: خلاصه مدل<sup>b</sup>**Table 4: Model Summary<sup>b</sup>**

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰/۶۱۹ <sup>a</sup>	۰/۳۸۴	۰/۳۴۷	۲۸/۲۴۷۱۲
<i>a. Predictors: (Constant)</i> سبک زندگی مصرفی اجتماعی، سبک زندگی تولیدی، اقتصادی، سبک زندگی تولیدی فرهنگی، سبک زندگی مصرفی اقتصادی، سبک زندگی مصرفی فرهنگی، سبک زندگی تولیدی اجتماعی				
<i>b. Dependent Variable:</i> کیفیت زندگی				

جدول ۵: آنوا<sup>a</sup>**Table 5: Anova<sup>a</sup>**

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.	
۱	Regression	۱۹۳۲۲۶/۴۲۶	۶	۳۲۲۰۴/۴۰۴	۴۰/۳۶۱	۰/۰۰۰ <sup>b</sup>
	Residual	۳۱۰۳۸۲/۹۸۸	۳۸۹	۷۹۷/۹۰۰		
	Total	۵۰۳۶۰۹/۴۱۴	۳۹۵			
<i>a. Dependent Variable:</i> کیفیت زندگی						
<i>b. Predictors: (Constant)</i> سبک زندگی تولیدی اقتصادی، سبک زندگی تولیدی فرهنگی، سبک زندگی مصرفی اقتصادی، سبک زندگی مصرفی فرهنگی، سبک زندگی تولیدی اجتماعی						



جدول ۶: اثرات متقابل<sup>a</sup>

Table 6: Coefficients<sup>a</sup>

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.	Correlations			
	B	Std. Error	Beta			Zero-order	Partial	Part	
۱	Constant	۱۵۰/۱۸۸۹	۶/۴۳۷		۳۳/۴۷۹	۰/۰۰۰			
	سبک زندگی تولیدی اقتصادی	۰/۷۶۵	۰/۵۳۷	۰/۰۷۰	۱/۴۲۶	۰/۱۵۵	۰/۳۶۱	۰/۰۷۲	۰/۰۵۷
	سبک زندگی تولیدی فرهنگی	۰/۳۰۹	۰/۱۸۵۳	۰/۰۱۸	۰/۳۶۲	۰/۷۱۷	۰/۳۰۲	۰/۰۱۸	۰/۰۱۴
	سبک زندگی مصرفی فرهنگی	۱/۱۶۷	۰/۵۰۸	۰/۱۳۸	۲/۳۹۸	۰/۰۲۲	۰/۴۷۳	۰/۱۱۶	۰/۰۹۱
	سبک زندگی مصرفی اقتصادی	۱/۱۶۲	۰/۵۸۶	۰/۱۷۷	۳/۱۸۰	۰/۰۰۲	۰/۴۹۱	۰/۱۵۹	۰/۱۳۷
	سبک زندگی تولیدی اجتماعی	۰/۱۸۵۰	۰/۴۰۲	۰/۱۳۴	۲/۱۱۳	۰/۰۳۵	۰/۵۱۹	۰/۱۰۷	۰/۰۸۴
	سبک زندگی مصرفی اجتماعی	۰/۹۸۶	۰/۲۵۰	۰/۳۴۵	۳/۹۴۷	۰/۰۰۰	۰/۵۳۷	۰/۱۹۶	۰/۱۵۷

a. Dependent Variable: کیفیت زندگی

- سبک زندگی مصرفی و سبک زندگی تولیدی، کیفیت زندگی را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند.

با توجه به ضریب همبستگی ۰.۶۱۶ خلاصه مدل آزمون رگرسیون که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، می‌بایست گفت که بین مجموعه متغیرهای مستقل سبک زندگی تولیدی و سبک زندگی مصرفی و متغیر وابسته کیفیت زندگی همبستگی خوبی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۳۷۷ می‌باشد نشان می‌دهد که ۳۷.۷ درصد از کل تغییرات کیفیت زندگی وابسته به ۲ متغیر مستقل ذکر شده می‌باشند. به‌عبارت دیگر مجموعه متغیرهای مستقل، بیش از یک سوم از واریانس متغیر کیفیت زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. از سوی دیگر با توجه به معنی‌داری آزمون  $F$  (۱۲۰.۲۶۹) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۱ برگرفته از جدول ۸ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۲ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته کیفیت زندگی مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات کیفیت زندگی را پیش‌بینی کنند. اما ارزیابی جدول ۹ نشان می‌دهد که ۲

متغیر سبک زندگی مصرفی و سبک زندگی تولیدی به ترتیب با ضرایب بتای استاندارد شده ۰/۴۵۰، ۰/۱۹۱. بیشترین همبستگی مثبت معنی‌دار و بدون واسطه را با متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی داشته‌اند؛ در حالی که به ترتیب با همبستگی مرتبه صفر ۰/۶۰۶، ۰/۵۵۸. بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی داشته‌اند.

جدول ۷: خلاصه مدل<sup>b</sup>Table 7: Model Summary<sup>b</sup>

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰/۶۱۶ <sup>a</sup>	۰/۳۸۰	۰/۳۷۷	۲۸/۱۹۴۲۵
a. Predictors: (Constant) سبک مصرفی، سبک تولیدی، سبک مصرفی				
b. Dependent Variable: کیفیت زندگی				

جدول ۸: آنوا<sup>a</sup>Table 8: Anova<sup>a</sup>

Model		Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
۱	Regression	۱۹۱۲۰۷/۴۵۳	۲	۹۵۶۰۳/۷۲۶	۱۲۰/۲۶۹	۰/۰۰۰ <sup>b</sup>
	Residual	۳۱۲۴۰۱/۹۶۱	۳۹۳	۷۹۴/۹۱۶		
	Total	۵۰۳۶۰۹/۴۱۴	۳۹۵			
a. Dependent Variable: کیفیت زندگی						
b. Predictors: (Constant) سبک تولیدی، سبک مصرفی						

جدول ۹: اثرات متقابل<sup>a</sup>Table 9: Coefficients<sup>a</sup>

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.	Correlations		
		B	Std. Error	Beta			Zero-Order	Partial	Part
۱	(Constant)	۱۴۸/۵۵۰	۵/۶۴۳		۲۶/۳۲۳	۰/۰۰۰			
	سبک زندگی تولیدی	۰/۸۰۳	۰/۲۸۹	۰/۱۹۱	۲/۷۸۱	۰/۰۰۶	۰/۵۵۸	۰/۱۳۹	۰/۱۱۰
	سبک زندگی مصرفی	۱/۱۵۸	۰/۱۷۷	۰/۴۵۰	۶/۵۵۳	۰/۰۰۰	۰/۶۰۶	۰/۳۱۴	۰/۲۶۰
a. Dependent Variable: کیفیت زندگی									

- سبک زندگی اقتصادی و سبک زندگی اجتماعی، سبک زندگی فرهنگی، کیفیت زندگی را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند.

با توجه به ضریب همبستگی ۰.۶۱۷ خلاصه مدل آزمون رگرسیون که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، می‌بایست گفت که بین مجموعه متغیرهای مستقل سبک زندگی اقتصادی و سبک زندگی اجتماعی، سبک زندگی فرهنگی و متغیر وابسته کیفیت زندگی همبستگی خوبی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۳۷۶ می‌باشد نشان می‌دهد که ۳۷.۶ درصد از کل تغییرات کیفیت زندگی وابسته به ۳ متغیر مستقل ذکر شده می‌باشند. به عبارت دیگر مجموعه متغیرهای مستقل، بیش از یک سوم از واریانس متغیر کیفیت زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. از سوی دیگر با توجه به معنی‌داری آزمون  $F$  (۸۰.۱۹۵) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۱ برگرفته از جدول ۱۱ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۳ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته کیفیت زندگی مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات کیفیت زندگی را پیش‌بینی کنند. اما ارزیابی جدول ۱۲ نشان می‌دهد که ۳ متغیر سبک زندگی اجتماعی، سبک زندگی اقتصادی و سبک زندگی فرهنگی به ترتیب با ضرایب بتای استاندارد شده ۰.۳۷۵، ۰.۲۱۷، ۰.۱۳۹. بیشترین همبستگی مثبت معنی‌دار و بدون واسطه را با متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی داشته‌اند؛ در حالی که به ترتیب با همبستگی مرتبه صفر ۰.۵۶۵، ۰.۴۸۶، ۰.۴۵۷. بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی داشته‌اند.

جدول ۱۰: خلاصه مدل<sup>b</sup>

Table 10: Model Summary<sup>b</sup>

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰.۶۱۷ <sup>a</sup>	۰.۳۸۰	۰.۳۷۶	۲۸/۲۱۵۴۸
a. Predictors: (Constant) سبک زندگی فرهنگی، سبک زندگی اقتصادی، سبک زندگی اجتماعی (Constant)				
b. Dependent Variable: کیفیت زندگی				

جدول ۱۱: آنوا<sup>a</sup>

Table 11: Anova<sup>a</sup>

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.	
۱	Regression	۱۹۱۵۳۳/۰۶۴	۳	۶۳۸۴۴/۳۵۵	۸۰/۱۹۵	۰/۰۰۰ <sup>b</sup>
	Residual	۳۱۲۰۷۶/۳۵۰	۳۹۲	۷۹۶/۱۱۳		
	Total	۵۰۳۶۰۹/۴۱۴	۳۹۵			
a. Dependent Variable: کیفیت زندگی						
b. Predictors: (Constant) سبک زندگی فرهنگی، سبک زندگی اقتصادی، سبک زندگی اجتماعی (Constant)						

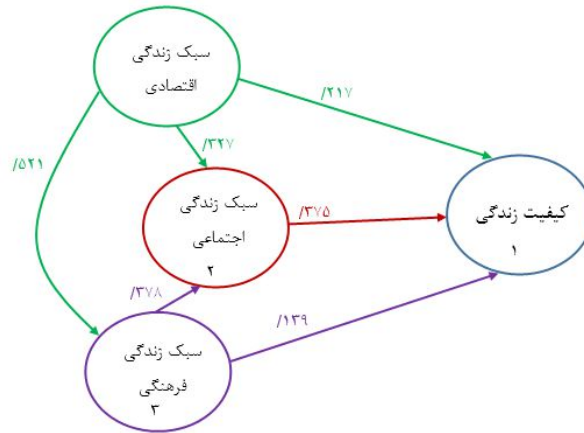
جدول ۱۲: اثرات متقابل<sup>a</sup>Table 12: Coefficients<sup>a</sup>

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	Correlations			
	B	Std. Error	Beta			Zero-Order	Partial	Part	
(Constant)	۵۰/۶۲	۶/۱۷۹		۲۴/۳۷۶	۰/۰۰۰				
۱	سبک زندگی اقتصادی	۱/۳۲۵	۰/۳۰۲	۰/۲۱۷	۴/۳۸۸	۰/۰۰۰	۰/۴۸۶	۰/۲۱۶	۰/۱۷۴
	سبک زندگی اجتماعی	۰/۹۸۲	۰/۱۳۲	۰/۳۷۵	۷/۴۲۲	۰/۰۰۰	۰/۵۶۵	۰/۳۵۱	۰/۲۹۵
	سبک زندگی فرهنگی	۰/۸۶۱	۰/۳۱۲	۰/۱۳۹	۲/۷۵۹	۰/۰۰۶	۰/۴۵۷	۰/۱۳۸	۰/۱۱۰

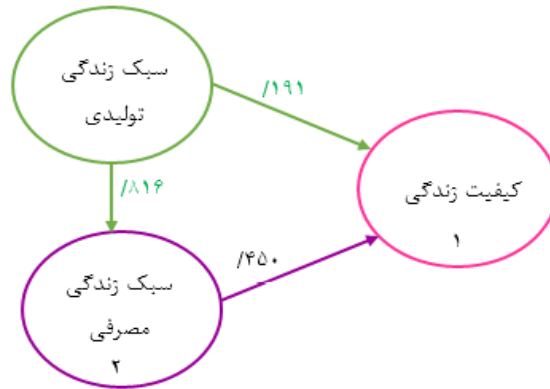
a. Dependent Variable: کیفیت زندگی

## - نقش سبک‌های زندگی روی کیفیت زندگی شهروندان ۶۵ ساله به بالا

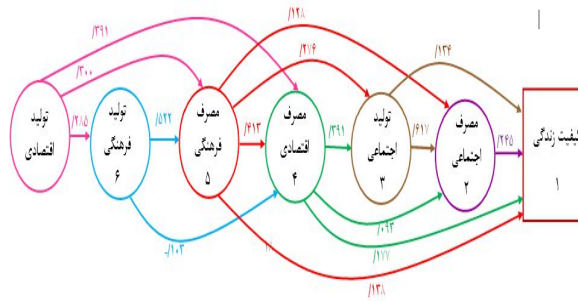
نتایج پیمایش نشان می‌دهد که سبک زندگی اقتصادی با تأثیر مستقیم ۰.۲۱۷ و ۰.۲۶۸ تأثیر غیر مستقیم و ۰.۴۸۵ تأثیر کل، سبک زندگی اجتماعی با تأثیر مستقیم ۰.۳۷۵ و بدون تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۳۷۵ تأثیر کل، سبک زندگی فرهنگی با تأثیر مستقیم ۰.۱۳۹ و ۰.۱۴۱ تأثیر غیر مستقیم و ۰.۲۸۰ تأثیر کل همان‌طور که شکل تحلیل مسیر ۲ نشان می‌دهد؛ به ترتیب بیشترین اثرگذاری را روی کیفیت زندگی داشته‌اند. از سوی دیگر در مدلی دیگر سبک زندگی تولیدی با تأثیر مستقیم ۰.۱۹۱ و ۰.۳۶۷ تأثیر غیر مستقیم و ۰.۵۵۸ تأثیر کل و سبک زندگی مصرفی با تأثیر مستقیم ۰.۴۵۰ و بدون تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۴۵۰ تأثیر کل همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد؛ به ترتیب بیشترین اثرگذاری را روی کیفیت زندگی داشته‌اند. همچنین در مدلی دیگر، سبک زندگی مصرفی فرهنگی با تأثیر مستقیم ۰.۱۳۸ و ۰.۲۳۵ تأثیر غیر مستقیم و ۰.۳۷۳ تأثیر کل سبک زندگی مصرفی اقتصادی با تأثیر مستقیم ۰.۱۷۷ و ۰.۱۳۴ تأثیر غیر مستقیم و ۰.۳۱ تأثیر کل، سبک زندگی تولیدی اجتماعی با تأثیر مستقیم ۰.۱۳۴ و ۰.۱۵۱ تأثیر غیر مستقیم و ۰.۲۸۵ تأثیر کل، سبک زندگی تولیدی اقتصادی با تأثیر غیر مستقیم ۰.۲۸ و بدون تأثیر مستقیم و با ۰.۲۸ تأثیر کل، سبک زندگی مصرفی اجتماعی با تأثیر مستقیم ۰.۲۴۵ و بدون تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۲۴۵ تأثیر کل، سبک زندگی تولیدی فرهنگی با ۰.۱۶۴ تأثیر غیر مستقیم و بدون تأثیر مستقیم و با ۰.۱۶۴ تأثیر کل، همان‌طور که شکل ۴ نشان می‌دهد؛ به ترتیب بیشترین اثرگذاری را روی کیفیت زندگی داشته‌اند.



شکل ۲: نقش سبک زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روی کیفیت زندگی  
**Figure 2: The Role of Economic, Social and Cultural Lifestyle on Quality of Life**



شکل ۳: نقش سبک زندگی تولیدی و مصرفی روی کیفیت زندگی  
**Figure 3: The Role of Productive and Consumer Lifestyle on Quality of Life**



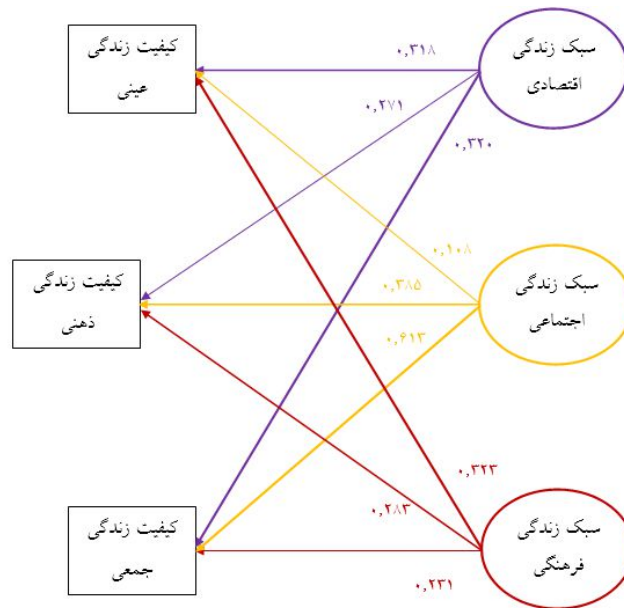
شکل ۴: نقش سبک‌های زندگی روی کیفیت زندگی

Figure 4: The Role of Lifestyles on Quality of Life

#### نقش سبک‌های زندگی روی کیفیت زندگی عینی، جمعی و ذهنی شهروندان ۶۵ سال به بالا

نتایج پیمایش نشان می‌دهد که سبک زندگی فرهنگی با تأثیر مستقیم ۰.۱۵۹ و ۰.۱۶۴. تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۳۲۳. تأثیر کل، سبک زندگی اقتصادی با تأثیر مستقیم ۰.۳۱۸ و بدون تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۳۱۸. تأثیر کل، سبک زندگی اجتماعی بدون تأثیر مستقیم و ۰.۱۰۸. تأثیر غیر مستقیم و ۰.۱۰۸. تأثیر کل همان‌طور که شکل تحلیل مسیر ۵ نشان می‌دهد؛ به ترتیب بیشترین اثرگذاری را روی کیفیت زندگی عینی داشته‌اند. گرچه سبک زندگی اقتصادی بیشترین اثر مستقیم را روی کیفیت زندگی عینی دارد اما تنها با ۵ هزارم درصد (۰.۰۰۵) کمتر نسبت به سبک زندگی فرهنگی دومین رتبه در اثرگذاری کلی روی کیفیت زندگی عینی دارد. از سوی دیگر در مدلی دیگر سبک زندگی اجتماعی با تأثیر مستقیم ۰.۶۱۳ و بدون تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۶۱۳. تأثیر کل، سبک زندگی اقتصادی بدون تأثیر مستقیم و ۰.۳۲۰. تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۳۲۰. تأثیر کل، سبک زندگی فرهنگی بدون تأثیر مستقیم و ۰.۲۳۱. تأثیر غیر مستقیم و ۰.۲۳۱. تأثیر کل. همان‌طور که شکل تحلیل مسیر ۵ نشان می‌دهد؛ به ترتیب بیشترین اثرگذاری را روی کیفیت زندگی جمعی داشته‌اند. همچنین در مدلی دیگر سبک زندگی اجتماعی با تأثیر مستقیم ۰.۳۸۵ و بدون تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۳۸۵. تأثیر کل، سبک زندگی فرهنگی با تأثیر مستقیم ۰.۱۳۸ و ۰.۱۴۵. تأثیر غیر مستقیم و با ۰.۲۸۳. تأثیر کل، سبک زندگی اقتصادی بدون تأثیر مستقیم و ۰.۲۷۱. تأثیر غیر مستقیم و ۰.۲۷۱. تأثیر کل همان‌طور که شکل تحلیل مسیر ۵ نشان می‌دهد؛ به ترتیب بیشترین اثرگذاری را روی کیفیت زندگی ذهنی داشته‌اند. سبک زندگی اجتماعی بیشترین اثر

مستقیم و کل را روی کیفیت زندگی ذهنی دارد و بعد از آن سبک زندگی فرهنگی و در آخر سبک زندگی اقتصادی بیشترین اثرگذاری کلی را روی کیفیت زندگی ذهنی دارد. به‌طور کل، ترکیب این سه مدل، به شکل مدل زیر خود را نشان می‌دهد.



**شکل ۵:** نقش سبک‌های زندگی روی ابعاد عینی، جمعی و ذهنی کیفیت زندگی  
**Figure 5:** The Role of Lifestyles on Objective, Social and Subjective Dimensions of Quality of Life

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج بدست آمده از پیمایش سبک زندگی مصرفی بر اساس درصد فراوانی، از کنش بیشتری در بین شهروندان ۶۵ سال به بالا برخوردار است و در بین شهروندان ۶۵ سال به بالا، سبک زندگی مصرفی حدود ۱.۵ برابر بیشتر از سبک زندگی تولیدی دارای فراوانی فعالیت و کنش است. این یافته‌ها ضمن نمایان کردن مصرفی بودن سبک زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه در پاسخ به این سؤال از تحقیق، با این نظر بوردیو و سوبل مبنی بر اینکه "الگوهای مصرف اصلی‌ترین بروز سبک‌های زندگی می‌باشد" (Alikhah & Rostami, )

12-13: 2011) و "الگوی مصرف قابل مشاهده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است منطبق است" (18: 2015: *Firoozabadi & et. al*)؛ همچنین با توجه به نتایج بدست آمده از پیمایش، مشخص شد که سبک زندگی اجتماعی از درصد فراوانی کنش بیشتری در بین شهروندان ۶۵ سال به بالا برخوردار است؛ و سبک زندگی اجتماعی بیش از دو برابر بیشتر از سبک زندگی فرهنگی و حدود ۱.۵ برابر بیشتر از سبک زندگی اقتصادی دارای فراوانی فعالیت و کنش است. این یافته‌ها ضمن نمایان کردن اجتماعی بودن سبک زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه تا اقتصادی و فرهنگی بودن سبک زندگی آنها در پاسخ به این سؤال از تحقیق، با ریشه‌های عشایری، قومی و خانوادگی واحد تحلیل تحقیق که می‌تواند سرمایه متناسب و متناظر خود را ایجاد کند؛ منطبق است که می‌تواند با این نظر بوردیو مبنی بر اینکه "... رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتن در میدان‌های اجتماعی گوناگون میان آنها ظاهر می‌شود ( *Rostami & Ardeshirzadeh, 2013: 16-20*)" و "سبک‌های زندگی و سرمایه پیوندی نزدیک دارند (*Atashin Sadaf & Kheiri, 2017: 35-36*)" هماهنگ باشد؛ همچنین نتایج نشان داده است که طبق آماره‌های توصیفی کیفیت زندگی عینی، ذهنی و جمعی در بین شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه به ترتیب بیشترین درصد تحقیق را داشته‌اند.

در بررسی این سؤال که کدام یک از سبک‌های زندگی ارتباط بیشتری با کیفیت زندگی سالمندان دارند؟ نتایج پیمایش با بدست دادن سه مدل تجربی تحلیل مسیر در دسته بندی‌های متفاوت، سبک زندگی اقتصادی با ۰.۴۸۵ تأثیر کل، سبک زندگی اجتماعی با ۰.۳۷۵ تأثیر کل، سبک زندگی فرهنگی با ۰.۲۸۰ تأثیر کل از یک‌سو و در دسته‌بندی دیگر سبک زندگی تولیدی با ۰.۵۵۸ تأثیر کل و سبک زندگی مصرفی با ۰.۴۵۰ تأثیر کل، بیشترین ارتباط را با کیفیت زندگی داشته است. این نتایج نشان می‌دهد که گر چه بوردیو و سوبل سبک زندگی مصرفی یا مصرف را به‌عنوان اصلی‌ترین بروز سبک‌های زندگی معرفی کرده‌اند و نتایج آماره‌های توصیفی تحقیق حاضر نیز این نظر را تأیید می‌نماید اما این نما باعث نشده است که بیشترین ارتباط را با کیفیت زندگی شهروندان داشته باشد و همچنان تولید و سبک زندگی تولیدی بیشترین ارتباط را با کیفیت زندگی شهروندان دارد و مصرف و سبک زندگی مصرفی در رتبه بعدی قرار دارد. همچنین همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد سبک زندگی شهروندان ۶۵ سال به بالای منطقه با اختلاف سبک اجتماعی، و بعد از آن سبک زندگی اقتصادی و فرهنگی است که با توجه به یافته‌های بدست آمده از پیمایش که نشان می‌داد بیشترین ارتباط کلی را سبک زندگی اقتصادی و سپس اجتماعی و فرهنگی با کیفیت زندگی



دارند؛ نتیجه می‌گیریم که سبک زندگی اقتصادی بهتر می‌تواند سطح کیفیت زندگی را بالا ببرد و بعد از آن به ترتیب سبک زندگی اجتماعی و سبک زندگی فرهنگی قرار دارند. همچنین در مدلی دیگر، سبک زندگی مصرفی فرهنگی با ۰.۳۷۳ تأثیر کل، سبک زندگی مصرفی اقتصادی با ۰.۳۱ تأثیر کل، سبک زندگی تولیدی اجتماعی با ۰.۲۸۵ تأثیر کل، سبک زندگی تولیدی اقتصادی با ۰.۲۸ تأثیر کل، سبک زندگی مصرفی اجتماعی با ۰.۲۴۵ تأثیر کل، سبک زندگی تولیدی فرهنگی با ۰.۱۶۴ تأثیر کل، به ترتیب بیشترین اثرگذاری را روی کیفیت زندگی داشته‌اند.

نتایج تحلیل مسیر و مدل‌های برگرفته از آن در پیمایش نشان می‌دهد که اگر هدف کیفیت زندگی عینی باشد؛ مدلی از سبک زندگی که نمای آن سبک فرهنگی و اقتصادی باشد در کنار سبک اجتماعی بیشتر می‌تواند آن را محقق نماید؛ چرا که این سبک‌ها یعنی سبک فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان سبک نما و سبک اجتماعی برای شکل‌گیری و تحقق نیازمند کنش‌های رقابتی افراد جامعه یعنی شهروندان به ترتیب در میدان‌ها و زمینه‌های اجتماعی مربوطه یعنی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هستند که در این میدان‌ها (الف) به ترتیب بیشتر سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و یا سرمایه‌های قابل تبدیل به سرمایه آن میدان و (ب) برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از سرمایه‌های سه‌گانه که می‌توان بر آن سرمایه ذهنی نام نهاد؛ تولید می‌شود. به‌طوری که برای تحقق کیفیت زندگی عینی که بیشتر نیازمند سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی و سایر سرمایه‌های قابل تبدیل به آنها است؛ نیاز به نما بودن سبک زندگی فرهنگی با اقتصادی در مدل است تا در کنار سبک زندگی اجتماعی و سرمایه‌های تولیدی آنها کیفیت زندگی عینی محقق شود. همچنین اگر هدف کیفیت زندگی جمعی باشد؛ مدلی از سبک زندگی که نمای آن سبک اجتماعی باشد در کنار دو سبک دیگر به ترتیب سبک اقتصادی و فرهنگی بیشتر می‌تواند آن را محقق نماید؛ چرا که این سبک‌ها یعنی سبک اجتماعی به‌عنوان سبک نما و دو سبک دیگر برای شکل‌گیری و تحقق نیازمند کنش‌های رقابتی افراد جامعه یعنی شهروندان به ترتیب در میدان‌ها و زمینه‌های اجتماعی مربوطه یعنی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که در این میدان‌ها (الف) به ترتیب بیشتر سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و یا سرمایه‌های قابل تبدیل به سرمایه آن میدان و (ب) برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از سرمایه‌های سه‌گانه که می‌توان بر آن سرمایه ذهنی نام نهاد؛ تولید می‌شود. به‌طوری که برای تحقق کیفیت زندگی جمعی که بیشتر نیازمند سرمایه اجتماعی و سایر سرمایه‌های قابل تبدیل به آن است؛ نیاز به نما بودن سبک زندگی اجتماعی در مدل است تا در کنار دو سبک زندگی دیگر و سرمایه‌های تولیدی آنها

کیفیت زندگی جمعی محقق شود. از سوی دیگر اگر هدف کیفیت زندگی ذهنی باشد؛ مدلی از سبک زندگی که نمای آن سبک اجتماعی باشد در کنار دو سبک دیگر به ترتیب سبک فرهنگی و اقتصادی بیشتر می‌تواند آن را محقق نماید؛ چرا که این سبک‌ها یعنی سبک اجتماعی به‌عنوان سبک نما و دو سبک دیگر برای شکل‌گیری و تحقق نیازمند کنش‌های رقابتی افراد جامعه یعنی شهروندان به ترتیب در میدان‌ها و زمینه‌های اجتماعی مربوطه یعنی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند که در این میدان‌ها (الف) به ترتیب بیشتر سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و یا سرمایه‌های قابل تبدیل به سرمایه آن میدان و (ب) برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از سرمایه‌های سه‌گانه که می‌توان بر آن سرمایه ذهنی نام نهاد؛ تولید می‌شود. به‌طوری که برای تحقق کیفیت زندگی ذهنی که بیشتر نیازمند برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از به ترتیب سرمایه‌های سه‌گانه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سایر سرمایه‌های قابل تبدیل به آن است؛ نیاز به نما بودن سبک زندگی اجتماعی در مدل است تا در کنار دو سبک زندگی دیگر و سرمایه‌های تولیدی آنها، برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از این سرمایه‌ها، سرمایه ذهنی را ایجاد نماید که کیفیت زندگی ذهنی را محقق می‌کند.

بنابراین برای رسیدن به هر کدام از کیفیت‌های زندگی عینی، جمعی و ذهنی هدف‌گذاری شده؛ نیاز به ترکیبی از کنش‌ها و سبک‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که (الف) سرمایه‌های سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و (ب) برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از سرمایه‌های سه‌گانه که می‌توان بر آن سرمایه ذهنی نام نهاد؛ تولید کنند. اما در این بین می‌بایست یکی از آن سرمایه‌ها که متناسب با آن نوع کیفیت زندگی و میدان، زمینه و حوزه اجتماعی مربوطه است و در آن میدان تولید می‌شود؛ نمای ترکیب سرمایه‌ها باشد. برای رسیدن به این سرمایه نما شده و ترکیب سرمایه‌ها، کنش، فعالیت و سبک زندگی متناسب را نیاز دارد که توسط آنها در میدان‌های مرتبط، این سرمایه‌های مورد نیاز تولید می‌شوند. رسیدن به کیفیت زندگی ذهنی به دلیل داشتن شرایط خاص، برای تشکیل نیاز به سرمایه ذهنی دارد که از طریق برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از ترکیب سرمایه‌های سه‌گانه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تولید شده در سبک‌های زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاصل می‌شود؛ که نمای سبک زندگی مورد نیاز سبک زندگی اجتماعی در کنار دو سبک دیگر فرهنگی و اقتصادی است.

در صورتی که کیفیت زندگی به‌عنوان یک کل هدف‌گذاری شده باشد؛ به ترتیب نیاز به ترکیبی از کنش‌ها و سبک‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که (الف)

سرمایه‌های سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و (ب) برداشت، ارزیابی و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از سرمایه‌های سه‌گانه که می‌توان بر آن سرمایه ذهنی نام نهاد؛ تولید کنند. به عبارت دیگر کیفیت زندگی به‌عنوان یک کل مشتمل بر ترکیبی از به ترتیب سرمایه‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ذهنی است که در میدان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق مجموعه کنش‌های رقابتی که سبک‌های زندگی مربوطه یعنی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را صورت‌بندی می‌کند و همچنین برداشت‌ها، ارزیابی‌ها و تصورات ذهنی مقایسه‌ای از سرمایه‌های تولید شده (سرمایه ذهنی)، حاصل می‌گردد؛ که می‌توان از آن به‌عنوان کیفیت زندگی کنش محور یا تعاملی نام برد. این در انطباق با نظر بوردیو درخصوص میدان و سرمایه‌ها در جامعه است که می‌گوید نقش مهمی در شکل‌گیری سبک‌های زندگی دارند. طبق نظر بوردیو "... رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت متفاوت‌شان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتن در میدان‌های اجتماعی گوناگون میان آنها ظاهر می‌شود (Rostami & Ardeshtirzadeh, 2013: 16-20)" و "سبک‌های زندگی و سرمایه پیوندی نزدیک دارند (Atashin Sadaf & Kheiri, 2017: 35-36)". بوردیو معتقد است "میدان یک جهان اجتماعی واقعی است که مطابق قوانینش، شکل خاصی از سرمایه در آن انباشته می‌شود" و "افراد همواره برای کسب سرمایه تلاش می‌کنند اما امکان کسب آن سرمایه فقط در محدوده‌ای (میدان) که فرد در آن قرار دارد مقدور است" (Pir Babaei & Soltanzadeh, 2015: 75-76). از طرف دیگر بوردیو نیز سبک زندگی را محصول "انتخاب"‌های سلیقه‌ای می‌داند؛ که مصرف را جهت می‌دهد اما معتقد است که این انتخاب‌ها تحت تأثیر "موقعیت ساختاری" انجام می‌شوند (Khajeh Nouri & Soroush, 2014: 30-31). بوردیو معتقد است که قدرت انتخاب مردم به "سرمایه / ثروت" آنها بستگی دارد. این ثروت نه تنها مادی، بلکه فرهنگی است (به‌عنوان مثال آموزش، آگاهی فرهنگی و هنر)، و همچنین نمادین است (Hatami & Bagheri, 2015: 3026). از سوی دیگر در راستای نظریه‌گیدنز در خصوص سبک زندگی است که می‌گوید سبک زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهایی است که فرد آن را به کار می‌گیرد برای برآورده شدن نیازهای جاری خود (-Afsharkohan & Rezaei Kermajani, 2017, 162 & et. al, 2015: 22-23 & Khajeh Nouri & et. al, 2014: 83). او معتقد است که سبک زندگی شامل انتخاب بسیاری از انتخاب‌های پیش رو است (Bayangani, 2013: 199)؛ همچنین گیدنز در مباحث خود از سبک زندگی به شاخص‌هایی از جمله غذا، پوشاک، مسکن، اتومبیل، عادات کاری، اشکال مختلف تفریح یا فراغت و انواع دیگری از رفتار منزلت‌جویانه، محیط دلخواه برای

ملاقات کردن دیگران اشاره می‌کند که از شاخص‌هایی است که طبق نظریاتی که حول کیفیت زندگی وجود دارد از شاخص‌های کیفیت زندگی و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Rezaei & et. al, 2015: 20 & Khani, 2015: 147) و با رویکردهایی که از دید فردی به کیفیت زندگی نگاه می‌کنند و معتقدند "مردم آن چیزهایی را انتخاب خواهند کرد که بیشترین کمک را به کیفیت زندگی‌شان می‌کند" (Diener & Suh, 1997: 190) و دیدگاه وبلن که معتقد است سبک زندگی متأثر از سطح رفاه است و می‌گوید "سبک زندگی با تحلیل‌های او از طبقه مرفه جامعه آمریکا پیوند می‌خورد." (Koochi Nasrabadi and et. al, 2015: 148) هم نظر است.

البته برخلاف نظر گیدنز و وبلن که تنها به نیازهای جاری و رفاه برای تأثیر سبک زندگی اشاره دارند؛ نتایج این پژوهش نشان دادند که نه تنها کیفیت عینی که شامل مؤلفه‌هایی است که گیدنز و وبلن برای تأثیر سبک زندگی به آنها اشاره کرده‌اند بلکه کیفیت جمعی و ذهنی نیز علاوه بر آن از سبک زندگی اثرپذیر هستند.

این پژوهش برخلاف پژوهش‌های دیگر نظیر پورتاس و همکاران (۲۰۰)، فریرا و همکاران (۲۰۱۸)، هاکس و همکاران (۲۰۱۴)، یینگ‌هانگ و سونگ لو (۲۰۱۴)، کاریل بسمن (۲۰۱۲)، (۲۰۱۲)، برنارد و همکاران (۲۰۰۴)، ایوان جی دوپل و همکاران (۲۰۱۰)، آگاه هریس و همکاران (۱۳۹۱)، جانبانی و همکاران (۱۳۹۳)، نصرالهی قلعه عبدشاهی و همکاران (۱۳۹۵)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴)، نواح و همکاران (۱۳۹۵)، که هر کدام جداگانه از بعد خاص و تکی روانشناسی، بهداشتی، مدیریتی، فن‌آوران، اقتصادی، فرهنگی و مصرف بنیان به مقوله ارتباط بین کیفیت زندگی و سبک زندگی می‌پرداختند؛ دیدی همه جانبه‌تر و بین رشته‌ای ارائه کرده است.

**References:**

- Abbott, P. & Wallace, C. (2012). "Social Quality: A Way to Measure the Quality of Society", *Social Indicators Research*, V 108, I 1, 153- 167.
- Afsharkohan, J., Rezaei Kermajani, M. (2017). "A Study of the Role of Social Identity in Determining the Lifestyle of Youth (Hamadan)", *Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, V 14, N1: 157 -188 (Persian).
- Agah Haris, M., Alipour, A., Jan Bozorgi, M., Mousavi, E., Nouhi, Sh. (2012). "Comparison of the effect of lifestyle therapy group and cognitive therapy group on weight management and improving the quality of life of overweight women", *Health Psychology Quarterly*, 1, 1-15 (Persian).
- Alikhah, Fardin and Rostami, Elnaz (2011) "Media consumption and lifestyle (a study among the citizens of Tonekabon)", *Journal of Social Sciences*, V 7, N 28, 1-19. (Persian).
- Atashin Sadaf, A. & Kheiri, M. (2017). "Theoretical Foundations of Lifestyle in Pierre Bourdieu's Thought with a Critical Approach", *Bi-Quarterly Journal of Lifestyle Research*, Vol. 3, No. 5, 44-49. (Persian).
- Ballesteros, R. Fernandez (1998). "Quality of life- concept and assessment", *Advances in psychological science*, Vol. 1, 387-706.
- Ballesteros, R. Fernandez (2011). "Quality of life in Old Age- Problematic Issues", *Applied Research Quality of life*, 6, 21- 40.
- Bayangani, B. & Irandoost, S. F. & Ahmadi, S. (2013). "Qualitative Study of Typology of Lifestyles: Study of Youth in Mahabad City of Iranian Kurdistan", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 4, No. 14; 198-217. (Persian).
- Bernard, M. & Bartlam, B., Biggs, S., Sim, J. (2004). "New lifestyles in old age- Health, identity and well-being in Berryhill Retirement Village", *The Policy Press, University of Bristol, Great Britain*.
- Bosman, C. (2012). "Gerotopia: Risky Housing for an Ageing Population, Housing", *Theory and Society*, Vol. 29, No. 2, 157-171.

Clarke, M. (2003). "Is economic growth desirable? A welfare economic analysis of the Thai experience" Ph.D thesis, Melbourne: Victoria University, www.vu.edu.au. (2019).

Diener, E. D. and Suh, E. (1997). "Measuring Quality Of Life: Economic, Social, and Subjective Indicators", *Social Indicators Research*, Kluwer Academic, Netherlands, 40: 189-216.

Draper, P. (1997). "Nursing perspectives on quality of life", London: Roulledge Company.

Eivazi, Gh. H. (2009). "Television Lifestyle and Consumption", *Cultural-Defense Quarterly of Women and Family*, Vol. 5, No. 16, 143-167. (Persian).

Fayers, P. M., Machi, D. (2000). "Quality of life: Assessment, Analysis and Intervention", USA: Wiley & Sons Ltd.

Ferreira, L. K., Meireles, J., Fernandes, F., Ferreira, Maria Elisa C. (2018) "Evaluation of lifestyle and Quality of life in the elderly: a literature review", *Rev. Bras. Geriatr, Gerontol*, Rio de Janeiro, 21(5): 616-627

Firoozabadi, S. A., Mirzaei, H. and Jazebi, Kh. (2015). "Investigating the relationship between the concepts of lifestyle and religious identity in urban and rural areas (Case study: 18-30 year olds in Boocan and three villages (Salamat, Kooreh Kani and Goloolan Lower)", *Social Development Quarterly (Former Human Development)*, Vol. 10, No. 2, 7-36. (Persian).

Ganji, M., Hossein Bar, M. O., Karimian, M. (2015). "A Study of the Relationship between Cultural Capital and Lifestyle among Men in Zahedan", *Quarterly Journal of Lifestyle Sociology*, N 2, 129-176. (Persian).

Genov, N. (2004). "Social Indicators and Quality Of Life Research: Background, Achievements and Current Trends", *Advances in Sociological Knowledge, Over half a Centur*, VS Verlag für Sozialwissenschaften, Springer, 151- 181.

Ghaffari, Gh., Omid, R. (2009). "Quality of Life, Social Development Index", Tehran: Shirazeh. (Persian).

Hassani, M. H., Zokaei, M. S., Talebi, A., Entezari, A. (2017). "Conceptualizing Cultural Lifestyle", *Cultural Sociology, Institute of Humanities and Cultural Studies*, Vol. 8, No. 1, 23-45. (Persian).

Hatami, M. & Bagheri, B. (2015). "The impact of cultural center on filling the Leisure time", *Cumhuriyet University Faculty of Science, Science Journal (CSJ)*, Vol. 36, No: 3 Special Issue, 3024-3029. (Persian).

Haux, R. & et. al. (2014). "Information and communication technologies for promoting and sustaining quality of life, health and self-sufficiency in ageing societies – outcomes of the Lower Saxony Research Network Design of Environments for Ageing (GAL)" *Inform Health Soc Care*, 39(3-4): 166-187.

Inoguchi, T., & Fujii, S. (2013). "The quality of life in Asia. A comparison of quality of life in Asia", Netherlands: Springer.

Jabaran, M. R. (2015). "Conceptual Analysis of Lifestyle", *Ghabsat Magazine*, 20, 173-187. (Persian).

Janbani, P., Momeni, Kh., Karami, J. (2014) "The Relationship between Social Security and Lifestyle with Quality of Life and Happiness of Kermanshah Women", *Journal of Clinical Research in Paramedical Sciences*, Vol. 3, No. 4, 247-256. (Persian).

Jui-Ying, H., Kuo-Song, L. (2014). "Research on the Healthy Lifestyle Model, Active Ageing, and Loneliness of Senior Learners", *Educational Gerontology*, 40: 353-362, 353-362.

Kende, M. (2001). "Superiority of traditional village diet and lifestyle in minimizing cardiovascular disease risk in Papua New Guineans", *PNG Med J*, Sep-Dec; 44(3-4):135-150.

Khajeh Nouri, B., Parnian, L., Hemmat, S. (2014). "Study of Lifestyle and Social Identity (Case Study: Youth of Bandar Abbas)", *Iranian Cultural Research Quarterly*, Vol. 7, No. 1, 94-94. (Persian).

Khajeh Nouri, B., Soroush, M. (2014). "Media Use, Lifestyle and Quality of Life of Shiraz Youth", *Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, Vol. 11, 25-44. (Persian).

Khani, H. (2015). "Sociological Analysis of the Concept of Lifestyle in Western and Islamic Civilizations", *Quarterly Journal of Politics, Faculty of Law and Political Science*, Vol. 45, No. 1, 145-160. (Persian).

Koohi Nasrabadi, M., Vahedian, M., Ghayuri Sales, S. (2015). "Factors Affecting Women's Self-Decoration in Modern Lifestyle

(Case Study: Kashan)", Quarterly Journal of Lifestyle Sociology, Vol. 1, No. 1, 137-157. (Persian).

Leftwich, A. (2006). "Developmentalist Governments-On the Importance of Politics in Development", Javad Afshar Kohan, Tehran: Neynegar and Marandiz. (Persian).

Meier, G., Stiglitz, J. (2003). "Pioneers of Future Development Economics in Perspective", Translate :Gholamreza Azad Armaki, Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Moons, Ph. & et. al. (2005). "Critique on the conceptualization of quality of life: A review and evaluation of different conceptual approaches", International Journal of nursing studies, 43(7), 891-901.

Morris, Ch. W. (2010). Amartya Sen, New York: Cambridge University Press.

Mousavi, Y. (2008). "The concept of "social construction" in the field of modern sociological study", Social Science Month Book, N 11, 88-91. (Persian).

Naraghi, Y. (2000) "Development and underdeveloped countries: An analytical study from theoretical aspects, historical underdevelopment", Tehran: Enteshar Co. (Persian).

Nasrollahi Ghaleh Abdolshahi, H., Rezadoost, K. and Nabavi, S. A. (2016). "Investigating the relationship between structural and class situations and health-oriented lifestyle Case Study: Students of Shahid Chamran University of Ahvaz", Quarterly Journal of Lifestyle Sociology, 2, I 6, 171-200. (Persian).

Navah, A., Fazeli, A., Rajaei, M. S. (2016). "Lifestyle and cultural consumption: with emphasis on free study in Ahvaz", Social Development Quarterly (Former Human Development), Vol. 10, No. 3, S.I 39, 7- 28. (Persian).

Niazi, M., Ghabaei Arani, M., Asgari Kaviri, A. (2016). "A Study of Social and Cultural Factors Affecting the Quality of Life (with Emphasis on Life Style and Citizenship Culture) Case Study: Citizens of Aran, Bidgol and Kashan", Lifestyle Quarterly, Y 2, I 6, 201-232. (Persian).

Pir Babaei, M. T., Soltanzadeh, M. (2015). "An Introduction to the Formulation of Contemporary Iranian Architecture Square Based



on Bourdieu Square Theory”, *Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, Vol. 20, No. 1, 84-73. (Persian).

Puertas, R. & Marti, L. & Guaita-Martinez, J. M. (2020). “Innovation, lifestyle, policy and socioeconomic factors: An analysis of European Quality of life”, *Technological Forecasting and Social Change*, Elsevier, Vol. 1. 160(C).

Rafat Jah, M. (2008). “The effect of job position on the lifestyle of working women; A Study of Women Working in the Ministry of Commerce”, *Quarterly Journal of Cultural Studies and Communication*, No. 11, 137-159. (Persian).

Rezaei, A., Mohammadzadeh, H., Mohammadzadeh, F. Rezaei, H. (2015). “Lifestyle and body management (a study of young people aged 15-29 in Marand)”, *Quarterly Journal of Lifestyle Sociology*, VOL. 1, No. 2, 1-50. (Persian).

Rezaei, M. (2004). “Pierre Bourdieu Cultural Production Field”, *Social Science Month Book*, No. 78, 51-55. (Persian).

Rostami, E., Ardeshirzadeh, M. (2013). “A Look at Lifestyle Theories”, *Quarterly Journal of Lifestyle Studies*, Vol. 2, No. 3, 9-31. (Persian).

Tonon, G. (2015). “The Qualitative Researcher in the Quality of Life Field” *Qualitative Studies in Quality of Life: Methodology and Practice*, Social Indicators Research Series 55, Springer, 1- 240.

Walker, A., Van Der Maesen, L. J. G. (2003). “Social Quality and Quality Of Life”, *ESPA-NET Conference*, Copenhagen, 13-15.

Wallace, Claire and Abbott, Pamela (2009) “Social Quality in Europe”, University of Aberdeen.

Yvonne, D., et. al. (2010). “A model of successful ageing in British populations”, Oxford University Press, *European Journal of Public Health*, Vol. 22, No. 1, 71–76.

Zahedi Asl, M. (1994). *Proceedings of the Seminar on Sociology and Development* (December 1991), 2, Tehran: Samt (Persian).

Zeng, W., Xiang, L., Zhang, W. (2020). “Evaluation of Life Quality and its Spatial Mismatch with Local Economic Development in Large Chinese Cities”, *Applied Research in Quality of Life*, 15: 239-258.

## Sociological Study of the Role of Lifestyle in the Quality of Life of Citizens 65 Years and Older in Bandar Mahshahr

Masoud Ganji<sup>1</sup>, Rezaali Mohseni (Ph.D)<sup>2</sup>, Mansour Sharifi (Ph.D)<sup>3</sup>  
Alireza Kaldi (Ph.D)<sup>4</sup>, Hassan Malek (Ph.D)<sup>5</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2021.34362.2353

### Abstract:

Today, one of the concerns is a Quality Lifestyle. This article examines the Sociological role of Lifestyle in the Quality of Life of Citizens over 65 years of age in Bandar Mahshahr. The paper is based on the Scandinavian-American approaches and the social quality approach to quality of life and the combined view of Bourdieu's theories from the field in the theory of differentiation, and Giddens's definition of lifestyle and social construction to lifestyle, by survey method. The present article has been done by Survey Method among the Statistical Population of Citizens 65 years and older in Bandar Mahshahr city. 396 citizens aged 65 and over have been identified as a Statistical Sample using the Cochran's formula, Statistical Data were collected through Stratified Sampling and Researcher-made Questionnaire tools and finally analyzed using SPSS Statistical Software and Descriptive and Inferential Statistical tests. The results show that the Objective, Subjective and Social Quality of Life of Citizens respectively, was at the level of 61.69, 52.3 and 41.2% of the maximum potential percentage of these dimensions of Quality of Life. Research results show; the Lifestyle of Citizens is more Consumption than Productive and on the other hand is Social rather than Economic and Cultural. According to the results, Economic Lifestyle with 0.485 Total Impact, Social Lifestyle with 0.375 Total Impact, Cultural Lifestyle with 0.280 Total Impact on the one hand and Productive Lifestyle with 0.558 Total Impact and Consumption Lifestyle with 0.450 Total Impact, respectively, had the greatest impact on Quality of Life. If the Quality of Life as a whole is targeted; Respectively, there is a need for a Combination of Economic, Social and Cultural Actions and Lifestyles, which a) Triple Economic, Social and Cultural Capitals and b: comparative perception, evaluation and Subjective Perceptions of the Triple Capitals that can be Called that Subjective Capital; Which together form the four Economic, Social, Cultural and Subjective Capitals, respectively; Produce. This Quality of Life can be called Action-Oriented or Interactive Quality of Life.

**Key Concepts:** *Lifestyle, Social Capital, Subjective Capital, Cultural Capital, Quality of Life*

<sup>1</sup> PhD student, Department of Sociology, Tehran Science and Research Unit, Islamic Azad University, Iran, ganjisocialologist@gmail.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran, mohseni.net14@gmail.com

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Demography, Islamic Azad University, Garmsar Branch, Semnan, Iran (Corresponding Author), sharifim@ut.ac.ir

<sup>4</sup> Professor of Sociology Department, Tehran Science and Research Unit, Islamic Azad University, Iran a-kaldi@srbiau.ac.ir

<sup>5</sup> Assistant Professor, Research Institute of Social Studies, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, malek.hassan@yahoo.com

